

۱۳۱۸ مباحثی در علوم جنایی

نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱

مجتمع آموزش عالی قم  
دوره کارشناسی ارشد

تقریرات درس

جرم‌شناسی

(پیشگیری)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه:

مهدی سیدزاده

نکته: این جزوه توسط آقای شهرام ابراهیمی دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران بازخوانی شده است.

## بخش اول: کلیات

در علوم جنایی بطور کلی چند موضوع از جهات مختلف مطالعه می‌شود:

۱. جرم
۲. مجرم
۳. بزه‌دیده
۴. محیط

از این‌رو، علوم جنایی شامل مجموعه رشته‌هایی مستقلی می‌شود که هر یک از زاویه خاصی با روش‌های خاص خود و در مراحل مختلف فرایند کیفری، جرم، مجرم، بزه‌دیده و محیط (محل قرار داشتن مجرم و بزه‌دیده) را مطالعه و بررسی می‌کند. همان‌طور که از عنوان این رشته برمی‌آید، علوم جنایی از جمله «علوم چند رشته‌ای»<sup>۱</sup> است. با توجه به پیچیدگی‌های روان و جسم انسان (مجرم) تخصص‌های مختلفی برای بررسی و تحلیل موضوع نیاز است. از این جهت در علوم جنایی نیز علوم مختلف به کار می‌رود: از علوم محض (فیزیک، شیمی و ...) گرفته تا علوم اجتماعی همه و همه در علوم جنایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علوم جنایی به دیگر سخن، وعده‌گاه علوم محض و علوم اجتماعی است. رویکرد ما به جرم، رویکردی چند رشته‌ای است. از سوی دیگر، از آنجا که رشته‌های تشکیل دهنده علوم جنایی، بخاطر طبع پیچیده انسان با یکدیگر نیز در ارتباط هستند، رویکرد ما ناگزیر، میان رشته‌ای نیز خواهد بود. جرم‌شناس در آمار محتاج به ریاضی‌دان است. حقوق‌دان به مناسبت نیازمند کارشناس کامپیوتر و اینترنت است. لذا، هرگاه در یکی از رشته‌ها

تحولات علمی صورت گرفته و دست‌آوردهای جدیدی بدست آید. این نوآوری بلافاصله تأثیر خود را در علوم جنایی نیز نشان خواهد داد. به عنوان نمونه، سابقاً در آمار جنایی اشکالی مطرح می‌گشت منبئ بر اینکه آمار جنایی معرف میزان کل بزهکاری نیست. در سال‌های اخیر، در پرتو تحول روش مطالعاتی جامعه‌شناسی، آمار جنایی از این متدهای جدید نیز بهره می‌گیرد. آمار جنایی با استفاده از دو روش:

۱. تحقیق از بزه‌دیدگان واقعی
۲. تحقیق از بزهکاران واقعی

و با کمک پرسشنامه‌های گمنام و نمونه‌برداری از افراد مدرسه، شهر و ... بطور تقریبی رقم سیاه بزهکاری را مشخص می‌کنند. (رقم سیاه در حقیقت تابعی است از نوع جرم: جرایم آپارتمانی در مقابل جرایم خیابانی). بنابراین علوم جنایی به اعتبار تحول رشته‌های خود، تحول می‌یابد.

## ۱- اهمیت علوم جنایی

## ۱-۱- دفاع از مهم‌ترین ارزش‌های جامعه

علوم جنایی به مهم‌ترین باورهای جامعه توجه داشته و از آنها حمایت می‌کند. نقض حق حیات، حق کرامت و منزلت انسانی، نقض حق برابری، دارای عنوان جرم بوده و مجازات دارد. بین علوم جنایی و حاکمیت نوعی تعارض وجود دارد. دولت‌ها به خاطر حفظ اقتدار خود تلاش دارند از جامعه مدنی (مردم) که سلاح ندارد دولت‌ها به استفاده کرده و به بهانه امنیت و حاکمیت ملی، انسانها را در بند بکشند. علوم جنایی دقیقاً در مقابل این تمایل حکومت ایستادگی می‌کند. هنگامی که سخن از کرامت انسانی (اصل ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی) به میان می‌آید، جرم آزار و اذیت بدنی متهم، پیش‌بینی شده است. که این جرم از طریق عمال حکومتی قابل ارتکاب است. علوم

جنایی قصد مهار حکومت را دارد. علوم جنائی با مسائل سیاسی رابطه پرتنش دارد. در این هر روز صدها حکم طلاق، الزام به تنظیم سند، ورشکستگی و ... صادر می‌شود ولی اگر یک نفر بی‌گناه دستگیر شود، جامعه ملتهب می‌شود. در مسائل کیفری است که قوه قضائیه با مشکل روبرو می‌شود. پرچم عدالت در هر کشور، حقوق کیفری است.

## ۲-۱- رشد بزهکاری

از جنبه عملی، هر یک از ما نوعی بزه‌دیدگی یا بزهکاری را تجربه کرده‌ایم. علوم جنائی طیف وسیعی از افراد را شامل می‌شود. همه مجرمین فقیر یقه آبی نیستند بلکه بسیاری از مجرمین در گروه مجرمین یقه سفید قرار می‌گیرد. در مقام مقایسه، پزشک فقط به بیماران توجه دارد. (مگر آنکه پزشکی به معنای وسیع را در نظر بگیرد که پیشگیری نیز شامل آن است)

لمبرزو، تنها اشخاص تهیدست را در معرض بزهکاری می‌دانست و از این‌رو رابطه فقر، بی‌کاری و طلاق را با بزهکاری بررسی می‌کرد اگر امروزه بخواهیم بزهکاری را تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم که نظریه لمبرزو با بحران مواجه بوده و امروزه بزهکاری شامل گروه بسیار گسترده‌تری از افراد می‌شود.

از سوی دیگر، نرخ بزهکاری بیش از توان جامعه در حال رشد است. بودجه عظیمی در جامعه صرف جرم می‌شود. بهاء یا بودجه جرم<sup>۱</sup> ارکان مختلفی دارد:

۱. سود و لذاتی که بزهکاری کسب می‌کند.

۲. خسارت وارده به بزه‌دیده.

۳. هزینه‌ای که مردم - دولت برای پیشگیری تخصیص می‌دهند.

۴. هزینه‌های قضایی که جامعه متقبل می‌شوند.

۵. هزینه‌ای که اشخاص بالقوه بزه‌دیده جهت بیمه می‌پردازند.

از اینها گذشته، هزینه و خسارات روانی جرم وجود دارد که به واقع غیرقابل تقویم است. چگونه می‌توان خسارت روانی حاصل از تجاوز به عنف را بیان کرد؟ قتل یک پدر، سبب چه مقدار خسارات روانی و تألمات روحی برای فرزندان وی می‌شود؟ از این‌رو، با توجه به هزینه بالای - مادی و معنوی - جرم می‌توان توقع داشت که علوم جنائی که هدفش بررسی عوامل این هزینه و کاستن از آن است، از اهمیت والایی برخوردار باشد.

## ۳-۱- موضوع آن انسان است

موضوع علوم جنائی خود به اهمیت این رشته می‌افزاید. در علوم حقوقی محض موضوع انسان نیست: در حقوق بازرگانی صحبت از مال است، در حقوق مدنی صحبت از حقوق است. اما در علوم جنائی صحبت از انسان بزهکار، انسان بزه‌دیده و جامعه جمع انسان‌ها است.

## ۲- رشته‌های مختلف علوم جنایی<sup>۱</sup>

علوم جنایی شامل مجموعه رشته‌های مختلفی می‌شود که اهداف مشترکی دارند:

۱. پیشگیری از بزهکار

۲. سرکوبی بزهکاری

۱. به تابلوی علوم جنایی در ضمیمه جزوه توجه کنید.

۳. اصلاح و درمان بزه‌کار (پیشگیری از تکرار جرم)

۴. پرداختن به حقوق بزه‌دیده و اعاده وضع او به سابق<sup>۱</sup>

علوم جنایی (یا علوم کیفری) دو دسته مهم دارد: علوم جنائی حقوقی و علوم

جنائی تجربی

### ۱-۲- علوم جنایی حقوقی

این دسته شامل: رشته‌های تخصصی می‌شود که دارای مبنای هنجاری، قاعده‌ای<sup>۲</sup> بوده و ریشه در قانون، رویه قضایی و یا آئین‌نامه دارند. این دسته باید با<sup>۳</sup> را مشخص می‌کنند. قانون جزا وضع می‌شود تا جرمی رخ ندهد، شارع می‌خواهد با وجود حکم سنگسار، دیگر کسی مرتکب جرم نشود. جامعه آرمانی توسط قانون جزا ترسیم می‌شود. علوم جنایی حقوقی به اقتضای مراحل مختلف برخورد با بزهکاری، مختلف هستند. حقوق جزایی (حقوق کیفری شامل سه شاخه اصلی می‌شود: حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی و آئین دادرسی کیفری (حقوق کیفری قضائی)).

در حقوق جزای عمومی (بنیادی) هنجارهای ناظر بر جرم و مسئولیت کیفری تنظیم می‌گردد. در حقوق جزای اختصاصی نرم‌های قضائی ترسیم می‌گردد. عده‌ای معتقدند که حقوق جزای اختصاصی آئینه تمدن یک کشور بوده و با مراجعه به آن می‌توان نوع تمدن را مشخص کرد. دآمداری، صنعتی، تکنولوژیک، لائیک و مذهبی.

حقوق جزای شکلی، مجموعه قواعد و مقرراتی است که نحوه تعقیب مجرمین، نوع محاکمات کیفری و نحوه اجرای مجازات را مشخص می‌کند.

حقوق جزای بین‌المللی، شاخه‌ای از حقوق داخلی است که عنصری بین‌المللی در آن دخالت دارد، در این جا می‌توان به مباحث مربوط به صلاحیت، استرداد، اصلی سرزمینی بودن حقوق جزا، معاضدت قضائی بین‌المللی و اصل منع محاکمه مجدد<sup>۱</sup> اشاره کرد.

حقوق بین‌المللی کیفری، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است. در این رشته بزه‌دیده‌ای به وسعت بشریت به چشم می‌خورد. مرتکبین و مجرمین در این رشته دولتها و یا اشخاص حقیقی هستند که به نام و در جهت حمایت از دولت فعالیت می‌کنند.

### ۲-۲- علوم جنایی تجربی

این دسته برخلاف علوم جنایی حقوقی به بودن‌ها می‌پردازد. علوم جنایی تجربی، علوم بودن‌های مجرمانه و واقعیت‌ها است.

رویکرد به جرم و مجرم در علوم جنایی حقوقی و علوم جنایی تجربی با یکدیگر متفاوت است. در علوم جنایی حقوقی رویکردی کاملاً غیرشخصی اتخاذ می‌شود، تعاریف عمومی بوده و کاری به یک مجرم خاص، مقام، شخصیت و جنس خاص ندارد. برعکس در علوم جنایی تجربی، بحث از آثار جرم در عمل است. علوم جنایی تجربی به شخصیت بزه‌کار، بزه‌دیده می‌پردازد. و از آنجا که به تعداد سارقین، شخصیت‌ها متفاوت است، دامنه دید ما تا تک تک این افراد می‌بایست خاص و فردی شود.

1. Victimology  
2. Normative  
3. What Ought to be

در علوم جنایی تجربی به این می‌پردازیم که چرا یک عده بخصوص مجرم شده‌اند. برخلاف علوم جنایی حقوقی که به باید‌ها<sup>۱</sup> می‌پردازد، علوم جنایی تجربی به هست‌ها<sup>۲</sup> توجه می‌کند.

در قانون مجازات سرقت محدود به حدی و تعزیری است. سرقت تعزیری نیز خود به انواع چندی تقسیم می‌شود. (مثل کیف‌زنی که از اصطلاحات پلیس راجع به انواع و شکل سرقت گرده برداری شده است). ولی آیا خارج از این انواع ذکر شده، آیا همه سرقت‌ها کاملاً همانند و یکسان هستند؟ سرقت از منزل گاه در روز و گاه در شب رخ می‌دهد، گاهی مسلحانه و گاهی غیرمسلحانه، سرقت می‌تواند همراه با آزار یا بدون آزار و یا گروهی و منفردانه باشد. به این حالت‌های مختلف که تأثیر مختلف دارند در علوم جنایی تجربی بدان می‌پردازیم.

#### ۱-۲-۲- علوم جرم‌یابی

شاخه‌های مختلف علوم جنایی تجربی هر یک در فرایندی دخالت می‌کنند. علوم جرم‌یابی وظیفه تفکیک جرم از غیرجرم و مجرم از غیر مجرم را بر عهده دارند و در مقام تغذیه علمی مراجع قضایی و پلیسی هستند. علوم جرم‌یابی در سراسر فرایند کیفری بکار آمده و در واقع علوم معین آئین دادرسی کیفری محسوب می‌گردند. علوم اثباتی (جرم‌یابی) از یک سو از علوم محض استفاده می‌کنند و از سوی دیگر از علوم انسانی بهره می‌گیرند.

پزشکی قانونی شاخه‌ای از علوم اثباتی است که با استفاده از روش‌های معمول در پزشکی ابهامات قاضی را در هنگام رسیدگی می‌زداید. برای شناسایی جرم و مجرم

می‌توان از علومی چون انگشت‌نگاری، سم‌شناسی و به تبع آن فیزیک و شیمی بهره برد. مثلاً جنازه‌ای کشف شده ولی در وقوع مرگ طبیعی، خودکشی و یا قتل مردد هستیم، رشته‌های مختلف علوم اثباتی در اینجا به کمک ما آمده و به ما در کشف واقع یاری می‌رسانند. گاه نیز از علوم انسانی در علوم جرم‌یابی استفاده می‌شود. به عنوان نمونه برای تعیین میزان مسئولیت کیفری اشخاص می‌توان از تست‌های روانی استفاده کرد. با کمک علم روانشناسی می‌توان این تردیدها را مرتفع ساخته و میزان هوشیاری و یا ضریب هوشی<sup>۱</sup> متهم را مشخص نمود. در آخر می‌بایست به این نکته نیز اشاره گردد که علوم جرم‌یابی در تمام مراحل قضائی و پیراقضائی به کار می‌آیند.

#### ۲-۲-۲- علوم تفسیری

در مرحله‌ای دیگر، بعد از وقوع جرم، یک سلسله رشته‌های تخصصی وجود دارند که در مقام تفسیر چرایی وقوع جرم و انگیزه‌های مرتکب جرم برمی‌آیند. توضیح این نکته بی‌فایده نخواهد بود که علوم جنایی حقوق علی‌الاصول توجهی به انگیزه نمی‌شود؛ در حقوق جزا جز در مورد استثنایی وقعی به انگیزه مجرم گذاشته نمی‌شود. (یکی از موارد استفاده از این امر جرم سیاسی است. در این دسته از جرایم در کنار عنصر روانی متعارف به انگیزه مرتکب نیز بسیار توجه می‌شود.) برعکس علوم جنایی حقوقی، در علوم تفسیری انگیزه در مرکز توجهات و بررسی‌های ما قرار می‌گیرد.

در علوم تفسیری سه رشته اساسی وجود دارد. جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری، جرم‌شناسی در حقیقت دانش جرم یا دانش ماهیت جرم است. فرایند

مجرم شدن یک فرد در این دانش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در اینجا جرم و مجرم از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این رو جامعه‌شناسی جنایی را می‌توان یکی از رشته‌های تخصصی علوم تفسیری و جرم‌شناسی قلمداد نمود.

### ۳- جرم‌شناسی

#### ۳-۱- مهجوریت جرم‌شناسی

جرم‌شناسی دانش مهجوری است، هم در دانشکده و هم در عمل، در دادگستری بهای چندانی به جرم‌شناسی داده نمی‌شود. علت این امر را می‌توان در بلند مدت بودن نتایج تلاش‌های جرم‌شناسانه است. دولت‌ها به دلیل عمر کوتاه خود بیشتر تمایل به برنامه‌های کوتاه مدتی دارند که بتوانند آنها را در بیلان کاری خود ثبت نمایند. به عنوان نمونه، در دادگستری مهمترین ملاک، آمار پرونده‌های مختومه است. حال چگونه و چه طور این پرونده‌ها مختومه شده زیاد اهمیتی ندارد. مردم نیز به این طرز فکر کمک می‌کنند. وقتی بزه‌دیده یا مالباخته، مجرم را در زندان می‌بیند، احساس تشفی و خرسندی می‌کند. اما اگر قرار باشد از دانش جرم‌شناسی در این رابطه بهره گرفته شود، نخست می‌بایست دانش قضایی را بالا برد و سپس نیز سرمایه‌گذاریهای بزرگ بلند مدت یا میان مدت انجام داد. روشن است که دولت‌ها به چنین سرمایه‌گذاریهایی خوشبین نخواهند بود.

#### ۳-۲- تأثیر جرم‌شناسی بر حقوق کیفری کلاسیک

علیرغم این مشکلات، پس از مقایسه حقوق جزای کلاسیک با حقوق جزای مدرن، به این نکته پی‌می‌بریم که بسیاری از تأسیسات حقوق جزای امروزی، با رویکرد حقوق جزای سنتی بسیار فاصله دارد.

در دو‌یست سال پیش، اصلی‌ترین دغدغه حقوق جزا جرم و به تبع آن مجرم بوده است. حال آنکه امروزه محیط پیرامون بزه‌کار و حتی بزه‌دیده نیز در معادلات حقوق جزا نقش دارند. امروزه گاه سخن از بزه‌دیده‌شناسی و یا حتی حقوق کیفری بزه‌دیده مدار به میان می‌آید.

حقوق جزای کلاسیک به صورت متکلم وحده عمل می‌کرد. امروزه و در پرتو مطالعات بزه‌دیده‌شناسی شاهد توافقی شدن و قراردادی شدن حقوق جزا هستیم. تأسیساتی در حقوق جزای مدرن ایجاد شده است که قاضی در آنها نمی‌تواند رأساً تصمیم‌گیری کند و تصمیم‌گیری در این خصوص منوط به جلب رضایت متهم است. از جمله نمونه‌های این امر کیفر مجازات خدمات عام المنفعه است. نمونه دیگر عدالت توافقی - گفتگوئی و یا دو سویه است که مظهر عمده آن معامله اتهام<sup>۱</sup> یا معامله مجرمیت است. در این نهاد، تحت شرایط خاصی، هنگامی که متهم به خاطر چند جرم دستگیر شده و دلایل کافی برای اثبات همه آنها وجود ندارد، دادستان برای بالا بردن کارایی نهاد دادستانی و صرفه‌جویی در وقت و در زمان با متهم توافق می‌کند که وی به چند یا یک اتهام اقرار نموده و در عوض دادستان از برخی از اتهامات او صرف نظر می‌کند.

#### ۳-۳- مشخصات جرم‌شناسی

جرم‌شناسی از آنجا که در زمره مهم‌ترین رشته‌ای علوم جنایی است و همچنین از آن-رو که موضوع بحث این ترم است توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. در اینجا مشخصات جرم‌شناسی را از دو دیدگاه بررسی خواهیم نمود:

الف) جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم جنایی  
ب) جرم‌شناسی به عنوان علوم مرکب

نیست، بلکه انتقاد کرده و راه‌حل ارائه می‌کند. جرم‌شناسی درصدد است تا حقوق جزا را از برج عاج پایین کشیده و با واقعیات آشنا کند.

### ۳-۲-۳- خصوصیات جرم‌شناسی به لحاظ علوم مرکب

علوم مرکب، علمی هستند که از برآیند آورده‌های رشته‌های مختلف علوم انسانی به وجود آمده و ضمن ترکیبی بودن این رشته‌ها، استقلال خود را حفظ می‌کنند. جرم‌شناسی به عنوان یک علم مرکب خصوصیات خاص خود را دارد.

۱. جرم‌شناسی از ملاقات موضوعات رشته‌های مختلف به وجود آمده است. جرم‌شناسی موضوعات خود را از حقوق جزا می‌گیرد، اما روش خود را از علوم دیگر، چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ژنتیک اتخاذ می‌نماید. هر یک از این علوم خاستگاه اصلی خود را از دست داده و تبدیل به بخشی از رشته‌های خاص و تخصصی جرم‌شناسی شده‌اند. همانند: آمار جنایی، روان پزشکی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی.

۲. جرم‌شناسی بین عام و خاص در حرکت است، یعنی موضوع مطالعه و نظریات را با توجه به مطالعات بالینی بدست آورده و سپس با ترکیب این نتایج راهکار عمومی تجویز می‌گردد. با اعمال این راهکار بازخورد آنها در مورد بزهکاران بررسی شده و باری دیگر در جهت اصلاح این راهکارها گام برداشته می‌شود. در پزشکی نیز روش کار بر همین منوال است. متخصص پزشکی ابتدا بیماران خاص خود را با روش‌های مختلف مطالعه کرده و پس از بررسی نتایج با یکدیگر، یک ویژگی را به عنوان عامل بیماری در نظر می‌گیرد. سپس یک دارو را برای همه کسانی که این

### ۳-۱- مشخصات جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم جنایی

از جهت علوم جنایی، جرم‌شناسی چهار مشخصه دارد که از سایر رشته‌های علوم جنایی از جمله حقوق جزا جدا می‌شود:

۱. جرم‌شناسی تنها رشته‌ای است که منحصراً جرم را بررسی می‌کند.
۲. جرم‌شناسی روش خاص خود را دارد. روش اتخاذی در جرم‌شناسی روشی استقرایی است. اما در حقوق جزا روش قیاس به کار گرفته می‌شود. در حقوق جزا جرم آنگونه که قانونگذار بیان کرده شرح داده می‌شود و بیان قانونگذار نیز طبعاً غیر موردی است. به عنوان نمونه در حقوق جزا یک تعریف کلی از کلاهبرداری ارائه می‌شود و تعیین مصداق بر عهده قاضی گذاشته می‌شود. موضوع حقوق جزا انسان است. لذا به خاطر اهمیت انسان همه چیز در حقوق جزا قانون مدار است و اختیارات قاضی کیفری محدود شده است تا جلوی سوء استفاده احتمالی گرفته شود.
۳. در جرم‌شناسی با انتقاد از نهادهای حقوق جزا، به دنبال تحول هستیم. جرم‌شناس با نقد تأسیسات حقوقی در مقام صیقل زدن امور و نزدیک شدن به واقعیت است. نقد تأسیسات حقوق جزا سبب دگرگونی حقوق جزا شده است. به عنوان نمونه فردی کردن مجازات یکی از یافته‌های جرم‌شناسی در حقوق جزا است.
۴. در جرم‌شناسی ما در جهت اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم گام برمی‌داریم. درست است که حقوق جزا در پرتو آورده‌های جرم‌شناسی جهت اصلاح و درمان یافته است ولی هنوز هم اصلی‌ترین دغدغه حقوق جزا سزادهی و مجازات بزهکاران است. البته جرم‌شناسی برخلاف باور معمول در جهت منفی حقوق جزا

بیماری را داشته‌اند تجویز می‌کند و پس از بررسی اثر دارو، دوباره آن را تعدیل می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. در آئین‌نامه سازمان زندانها که دقیقاً براساس قواعد حداقل سازمان ملل متحد راجع به اصلاح زندانیان (۱۹۵۵) تصویب شده است. این امر قابل مشاهده است. برخی از مجرمین هیچگاه شناسایی و دستگیر نمی‌شوند. این عده رقم سیاه بزهکاری را تشکیل می‌دهند. تحقیقات در غرب نشان می‌دهد که از هر ده مجرم تنها یک مجرم دستگیر می‌شود. در این میان مجرمینی که شناسایی و دستگیری می‌شوند، بنا به آئین‌نامه سازمان زندانها می‌بایست مشمول اقدامات درمانی و اصلاح قرار گیرند. بنا به ماده ۲۳ آئین‌نامه زندان محلی است که محکومین برای اصلاح و تربیت و تحمیل کیفر به آنجا معرفی می‌شوند. در ماده ۴۲ تشکیل کمیسیون تشخیص پیش‌بینی شده است. بنا به ماده ۶۱ آئین‌نامه می‌بایست شورای طبقه‌بندی زندانیان تشکیل گردد. در مرکز پذیرش و تشخیص زندان پرونده شخصیت نیز برای محکومین تشکیل می‌شود. از این رو می‌توان گفت که ابتدا تشخیص صورت می‌گیرد و سپس با کمک آن در کمیسیون طبقه‌بندی، حبس فردی می‌شود. بنا به بند ک ماده ۲۰ آئین‌نامه، یکی از وظایف سازمان زندانها «تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت روش‌های پیشگیری از وقوع جرایم و بررسی علل و انگیزه‌های ارتکاب آن و ارائه به رؤسای قوای سه گانه» است. این راهکارها در بیرون زندان به صورت نظریه ارائه می‌گردند که با توجه به آمار سیاه بزهکاری زیاد قطعی نیستند.

علت ارتکاب دوباره جرم چیست؟ نمی‌توان در قانون جزا به دنبال این امر گشت. علت تکرار جرم را می‌بایست در پرونده شخصیت جستجو کرد. اکثر مجرمین، مجرمین اتفاقی هستند. کنترل بزهکاری از دو طریق پیشگیری کیفری (سرکوب و مجازات) و پیشگیری غیرکیفری (اخلاقیات و تربیت) امکان‌پذیر است. این دو نوع پیشگیری با یکدیگر توأم است. پیشگیری اصولاً دو نوع وسایل و ابزار دارد:

الف) وسایل اقناع آور: خانواده، مدرسه، دانشگاه، سربازی.

ب) وسایل اجباری: مجازات، بستری شدن در مراکز درمانی.

نهادهای اقناع‌آور در جهت جامعه‌پذیر کردن فرد هستند و چنانچه آنها موفق شوند، شخص مجهز

۳. در جرم‌شناسی در کنار مفاهیم و دیدگاههای علمی، مفاهیم ارزشی هم وجود دارد. به عنوان مثال، در پزشکی مفهوم سلامتی و بیماری وجود دارد که مفهوم آنها کاملاً نسبی است. در جرم‌شناسی مفاهیم نسبی‌اند. از نظر قانونگذار شدیدترین مجازات اعدام و حبس ابد است. ولی آیا محکومین نیز همین درک را دارند؟ عده‌ای رفتن به دادگستری را بدترین مجازات می‌دانند و برای برخی شلاق هم تأثیری ندارد.

۴. در این علوم، در کنار مفاهیم و ارزش‌های علمی، ارزش‌های اخلاقی علمی، اخلاقیات حرفه‌ای نیز حاکم است. در جرم‌شناسی هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. سوگند بقراط برای پزشکان در نظر گرفته شده است که ایشان اخلاق را در کارکرد خود حفظ کنند. یک پزشک حق ندارد هر آزمایشی را انجام دهد. یک جرم‌شناس (به عنوان حرفه) سوگند می‌خورد که خلاف نظر بزهکار اقدام نکرده و او را تبدیل به موش آزمایشی نکند. به عنوان نمونه می‌توان پرخاشگری بزهکاری مکرر جنسی را با انجام عمل جراحی لوبوتومی کاهش داد و جامعه را از حالت خطرناک آنها رها نمود. اخلاقیات جرم‌شناسی اجازه این کار را به ما نمی‌دهد. با شست و شوی مغزی، انسان دیگری به وجود می‌آید که این برخلاف اخلاق حرفه‌ای است.

به اخلاقیات درونی، پلیس باطن و مجازات‌های اخلاقی درون شده که سبب می‌شوند که در مقابل وسوسه ارتکاب جرم، امکان کنترل خود را داشته باشند. چنانچه فرد به خاطر سوء تربیت مجهز به موانع اخلاقی نباشد، به محض روبرو شدن با وضعیت جرم‌زا مرتکب جرم می‌شود. در جامعه ای که افراد موانع داخلی را از دست داده‌اند، پلیس و مجازات نمی‌تواند کارایی چندانی داشته باشد. از آنجا که به تعداد افراد پلیس نداریم و حوصله دستگاه قضایی محدود است، طبیعی خواهد بود که دچار بحران بزهکاری شده باشیم.



### ۱. اهمیت بحث پیشگیری

بحث پیرامون پیشگیری به چند دلیل از اهمیت برخوردار است:

#### ۱-۱- دلیل حقوقی

پیشگیری از جرم یکی از بندهای مهم اصل ۱۵۶ قانون اساسی است. به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قوه قضائیه مسئول پیشگیری از جرم از یک سو و اصلاح مجرمین از سوی دیگر تأکید می‌کند. (مقررات فراتقنینی)

#### ۱-۲- معطل بودن بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

بعد از گذشت ۲۳ سال حکومت جمهوری اسلامی بند ۵ از جمله اصول مسکوت و معطل است. لذا سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا قوه قضائیه که در محکوم کردن بااقتدار عمل می‌کند، در بحث پیشگیری قصور ورزیده است. از سوی دیگر به موجب اصل ۱۵۷ رئیس قوه قضائیه موظف تهیه لوایح قضائی متناسب است. رئیس قوه با توجه به روش کار می‌بایست پیش‌نویس را مطرح می‌ساخته است.<sup>۱</sup>

۱. البته خوشبختانه هم‌اکنون (خرداد ۸۲) پیش‌نویس قانون تأسیس شورای عالی پیشگیری از جرم در شورای عالی توسعه در دست تهیه است. این شورا بنا به پیشنهاد به ریاست رئیس قوه قضائیه بوده و اعضای دست‌اندرکار پیشگیری از جرم از دستگاههای اجرایی و قضایی و تقنینی در آن عضو هستند. این شورا علاوه بر سطح ملی در سطوح استانی و شهرستانی به ریاست استاندار و فرماندار نیز فعالیت خواهد نمود. این پیش‌نویس در حال حاضر در مرحله کارشناسی بسر می‌برد.

۵. علوم مرکب همزمان جنبه تئوریک و عملی دارد. از یک سو جرم‌شناس نظری داریم و از سوی دیگر جرم‌شناس کاربردی و بالینی وجود دارد. یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی، پیشگیری از بزهکاری است که موضوع خاص کلاس ما را تشکیل می‌دهد. در جرم‌شناسی مباحث در باب پیشگیری ارائه شده است که از این نیمسال به آن خواهیم پرداخت.

## بخش دوم: پیشگیری

### مقدمه

در کشورهای دنیا، از سه دهه پیش پیشگیری در سطوح بالا مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در فرانسه سازمان ملی پیشگیری در جرم متولی خاص پیشگیری از جرم است. در این چارچوب در کشورهای عربی، شهرداری‌ها با عقد قراردادهای با بخش خصوصی، آن را تبدیل به یک فعالیت اقتصادی تبدیل می‌کند. مشاغل جهت پیشگیری در غرب بوجود آمده است که در جهت پیشگیری از بزهکاری اطفال استفاده می‌شود. گاه در مرکز پلیس ملی، بجای مأمور پلیس از متخصصین پیشگیری استفاده می‌شود. در کانادا و در سال ۲۰۰۰ در ایالت کبک ۶ میلیون دلار برای به اجرای گذاشتن پروژه‌های پیشگیری تخصیص داده شده است. همه آنها به منظور تأمین امنیت جامعه بوده است. این پیشگیریها برنامه‌های بلند مدت بود که رویت‌پذیری آن کم است. پیشگیری بسته به نوعش در مکان‌های مختلف اجرا می‌شود. خانه، مدرسه، پلیس، موسسات فرهنگی و با مشارکت جامعه مدنی. بحث پیشگیری برخلاف بحث سرکوبی تنها در حیطه صلاحیت حاکمیت باقی نمی‌ماند، پیشگیری قابل تفویض به بخش خصوصی نیز هست.

### ۳-۱- بالا بودن نرخ بزهکاری

علیرغم اجرای شدید مجازات‌ها در سطح دادگاهها، نرخ بزهکاری نسبتاً بالا است. میزان ناامنی بخصوص در ۲ و ۳ سال اخیر بسیار بالا رفته است. اگر به عنوان بزه‌دیده جرم را تجربه نکرده باشیم، قطعاً شاهد بزه‌دیدگی در نزدیکان خود بوده‌ایم. حال که سرکوبی کیفری نتوانسته جرم را تا حد قابل تحمل در بیاورد، بدین معنی است که نظام کیفری شکست خورده و پیشگیری می‌بایست توسط نهادهای دیگری دنبال گردد.

### ۴-۱- کمبود فضای زندانها

به گفته مسئولین سازمان زندانها، مساحت و فضای زندان‌های ایران گنجایش نگهداری از ۷۰ الی ۸۰ هزار نفر زندانی را دارد. حال آنکه هم اکنون اندکی بیش از دو برابر این گنجایش در زندانها به سر می‌برند. بحران جمعیت کیفری، یکی از مسائل حاد و در عین حال مخفی جامعه است. پاره‌ای از بیماریها و خرده فرهنگ‌های مجرمانه (چون اعتیاد و ایدز) از زندان ناشی می‌شود. این امور بیانگر تورم جمعیت کیفری در کشور ما است. از این رو، برای کاهش هزینه‌های مادی و معنوی جرم می‌بایست قبل از وقوع جرم، جرم را ناکام بگذاریم.

### ۵-۱- قهر آمیز بودن طبع دادگاههای کیفری

سرکوبگری شأن حقوق کیفری است و طبعاً این امر بسیار پرهزینه است. هر کدام از اعضاء ماشین کیفری هزینه‌ای بر جامعه تحمیل می‌کند. نیروهای پیرا قضائی که در اطراف دادگستری فعالیت می‌کنند (چون وکلا و کارشناسان) همه و همه هزینه داشته و مؤدیان مالیاتی موظف به پرداخت آن هستند. بنابراین می‌توان گفت که دستگاه کیفری بودجه زیادی را به خود جذب می‌کند ولی چیزی که اهمیت دارد آن است که بازده و تولید این دستگاه با هزینه آن متناسب نیست. این کار بدان‌سان می‌ماند که

سرمایه‌گذاری عظیمی بر روی عده‌ای از بیماران صورت بگیرد ولی در آخر تنها ۱۰٪ ایشان نجات بیابند. آری، مجرمین مجازات و مکافات شده‌اند. ولی آیا آثار اصلاحی نیز در ایشان مشاهده شده است. آیا مجازات توانسته از میزان ارتکاب جرم و یا به صورت خاص‌تر از میزان تکرار جرم بکاهد؟ این گونه مجازات‌ها تنها منجر به کاهش تعداد مجرمین و تنبیه و عبرت‌آموزی ایشان نشده است که اسباب تجری ایشان را نیز فراهم آورده است. عدالت کیفری می‌بایست دو هدف را تعقیب نماید:

الف) مکافات و سزادهی

ب) اصلاح و درمان

نتیجه اصلاح و درمان، بازدارندگی و جلوگیری از تکرار جرم است. اگر این هدف دوم محقق نگردد، فرآیند کیفری عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد و این عده همچنان در این فرآیند باقی خواهند ماند.

### ۶-۱- عدم استقبال از بحث پیشگیری در محافل دانشگاهی

از این‌رو منابع حقوقی در این زمینه بسیار فقیر است و جای آن دارد که در حوصله یک نیمسال به صورت مختصر به بحث پیرامون پیشگیری از ارتکاب جرم بپردازیم.

## ۲. تعریف پیشگیری

از پیشگیری تعریف‌های چندی ارائه شده است که در بادی امر می‌توان آنها را در دو دسته معانی عام و معانی خاص پیشگیری طبقه‌بندی نمود.

### ۲-۱- تعریف عام

این معنی از پیشگیری در ذهن مردم عوام وجود دارد. اگر از مردم عادی سؤال شود خواهند گفت: که کمک به فقرا، مسجد رفتن و ورزش پیشگیری است. در معنای عام مسکن، اشتغال و فرهنگسرا در زمره عوامل پیشگیری از جرم شمرده می‌شوند.

پیشگیری به لحاظ لغوی به معنای جلوه تحقق چیزی را گرفتن است. و از این رو پیشگیری از بزهکاری به معنای جلوگیری از وقوع بزه با اتخاذ تدابیر لازم. در این جا چون هدف پیشگیری از جرم است، استفاده از هر وسیله‌ای مجاز می‌باشد و رؤیت پلیس نیز قابل قبول خواهد بود. شرمین همین تعریف را پذیرفته است. به عقیده وی «هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان بدهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده آن رویه را می‌توان پیشگیرانه دانست».

در این تعریف شرمین به نتیجه توجه دارد. هر روش صرف نظر از محتوا (کیفری و غیرکیفری) می‌تواند پیشگیرانه تلقی گردد. از نظر جرم‌شناسانه این تعریف عام دو ایراد دارد:

الف) در عرف جرم‌شناسی، مقوله پیشگیری و سرکوبی، دو مقوله منفک ولی با اهداف مشترک هستند. گرچه هدف هر دو در نهایت پیشگیری از وقوع جرم به طور کلی است ولی این دو خصایصی دارند که آنها را از هم جدا می‌کند. به عنوان نمونه پیشگیری هم توسط دولت و هم جامعه مدنی قابل اعمال است ولی سرکوبی منحصراً در دست دولت قرار دارد و قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست.

ب) برخی از مجازاتها به هیچ وجه هدف پیشگیری ندارند. به عنوان نمونه، جریمه روزانه چه جنبه پیشگیرانه‌ای ممکن است داشته باشد؟ در جریمه روزانه چیزی جز اجرای مجازات مدنظر ما نیست.

## ۲-۲- تعریف خاص

پیشگیری تعاریف خاصی نیز دارد:

الف) در تعریف بعدی از آقای گسن، پیشگیری مجموعه اقدام‌هایی است که به جز اقدامات کیفری، که هدف غایی آن منحصراً یا به صورت جزئی محدود کردن

دامنه ارتکاب جرم، غیر ممکن کردن، مشکل کردن، کم کردن احتمال وقوع جرم باشد. از این رو گسن پیشگیری را خارج از نظام کیفری متصور می‌شود.

ب) در سال ۱۹۹۸، یک مؤلف کانادایی تعریف جدیدی از پیشگیری ارائه کرده است. بنا به تعریف وی پیشگیری می‌بایست سه معیار داشته باشد:

۱. هدف اصلی آن باید تأثیرگذاری و تحت الشعاع قرار دان یکی از عوامل ارتکاب جرم باشد، هدف می‌بایست تأثیرگذاری بر یکی از عوامل فرآیند کیفری باشد.

۲. می‌بایست بعد جمعی داشته باشد. (به عنوان نمونه پیشگیری در فلان محله و ...)

۳. اقدام پیشگیرانه می‌بایست غیرقهرآمیز و غیرکیفری باشد.

ج) بنا به تعریف آقای کوسن در سال ۲۰۰۲، پیشگیری مجموعه اقدامها و تدابیر غیر قهرآمیز است که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم، کاهش وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود. در این تعریف اقدام پیشگیرانه اقدام غیرقهرآمیزی است که بر عوامل جرم‌زا اعمال می‌گردد. پیشگیری مستلزم آن است که ابتدا علت شناسی اولیه از جرم صورت بگیرد.

## ۳. عناصر پیشگیری

با توجه به تعریف فوق، پیشگیری چهار عنصر خواهد داشت.

### ۳-۱- غیرقهرآمیز بودن تدابیر پیشگیرانه

برای اعمال این اقدامات رضایت ذی‌نفع الزامی است. برخلاف ضمانت اجرای کیفری که یکسویه اعمال می‌گردد و مجرم در وجاهت آن دخالتی نمی‌تواند بکند، در بحث با

پیشگیری رضایت افراد حتماً باید جلب شود. اقدامات قهرآمیز، اصلاح و درمان معمول در حقوق جزا، جزو پیشگیری محسوب نمی‌گردد.

از این رو انجام رژیم‌های حبس بر اساس پرونده شخصیت و برنامه‌های اصلاحی و درمانی در داخل زندان اقدام پیشگیرانه محسوب نمی‌گردد، چرا که رکن اول پیشگیری که غیرسزاده و غیرقهرآمیز بودن اقدامات است، در آن وجود ندارد.

### ۳-۲- اختصاصی بودن اقدامات پیشگیرانه

این اقدامات باید به طور ویژه و اختصاصی مربوط به پیشگیری باشد، نه اینکه از آثار جنبی آن پیشگیری باشد. در دعوت مردم به نماز هدف اصلی پیشگیری نیست، بلکه یکی از پیامدهای آن می‌تواند پیشگیری باشد. در برنامه‌های پیشگیرانه مبتکران و طرح‌ریزان، باید قصد پیشگیری را داشته باشند نه اینکه به صورت جنبی آن آثار از برنامه مورد نظر حاصل شود. اقدامات پیشگیرانه مستلزم اقداماتی است که ردیف و بودجه خاص خود را دارند. آموزش و پرورش در جهت پیشگیری مؤثر است ولی پیشگیری مستقیم محسوب نمی‌گردد.

### ۳-۳- کاستن آثار جرم

اگر اقدامات پیشگیرانه نتواند جرم را محو نکند، می‌بایست از شدت آثار و زیانهای مالی و روحی جرم بکاهد. در این رکن پیشگیری اقداماتی می‌شود که گذار اندیشه مجرمانه بر جرم را عقیم و متوقف کند. در این رکن، اقدامات ممکن است که کنشی (پیشین) و یا واکنشی (پسین) باشد. پیشگیری ممکن است نسبت به اقداماتی باشد که افراد را در موقعیت جرم قرار می‌دهد. جرم‌انگاری حمل اسلحه پیشگیری از وقوع ضرب و جرح است. هدف آن است که این اسلحه تبدیل به آلت جرم نشود. جرم-انگاری با این هدف اصطلاحاً مانع یا بازدارنده خوانده می‌شود. داشتن اسلحه فی حد ذاته عملی قبیح نیست، ولی کاربرد آن در موارد خاص سبب می‌شود که شخص در

حالت خطرناک قرار گیرد. ولگردی و تکدی فی حد ذاته قبیح نیست، ولی آن حالت وی را مستعد جرم قرار می‌دهد. بنابراین با جرم‌انگاری این امور از رشد جرائم کاسته می‌شود. جرم‌انگاری نزاع، از ضرب و جرح پیشگیری نمی‌کند، بلکه مانع نزاع منجر به قتل می‌شود (دخالت در حالت‌گذار).

### ۳-۴- درنظرگرفتن عوامل خطر و محیط اجتماعی

اقدامات غیر قهرآمیز زمانی پیشگیرانه هستند که بر علل شناسایی شده اعمال شود. دو دسته از علل می‌تواند مدنظر باشد:

الف) عوامل، فاکتورها یا عللی که افراد را به طور کلی و برخی از اشخاص را به طور خاص مستعد خطر می‌کند. که اصطلاحاً عوامل خطر<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند. این دسته از عوامل ناظر بر شخص هستند. عوامل شکست تحصیلی، غیبت تحصیلی، فرار از مدرسه، رفت و آمد با محیط نامطلوب، (مخصوصاً در سنی که نوجوان در فرآیند جامعه‌پذیری قرار دارد) از جمله این عوامل هستند.

ب) عواملی که مربوط به وضعیت، موقعیت و محیط قرار دارد و عمل می‌کند. یک فرد در محیطی به نام محیط پیرامون (اجتماعی) زندگی می‌کند. بدون این محیط انسان معنایی ندارد. محیط انسانی را انسانها به وجود می‌آورند ولی با گذر زمان انسان تبدیل به محصولی از محیط خود می‌شود. انسان شهری با انسان روستایی متفاوت است. آمال و خواسته‌های انسان صنعتی با آروزهای انسان غیرصنعتی یکسان نخواهد بود.

بنا به رکن چهارم، تدابیر پیشگیرانه یا می‌بایست بر محیط و موقعیت تأثیر بگذارند و یا اینکه بر شخصیت فرد تأکید داشته باشند.<sup>۱</sup>

#### ۴. انواع پیشگیری

اقدامات پیشگیرانه غیر قهرآمیز که به طور خاص ناظر بر پیشگیری است. یا بر خود فرد اعمال می‌شود یا بر وضعیت.

زیرا فرض بر آن است که تعامل میان عوامل شخصی و وضعی شخص را در معرض ارتکاب جرم قرار داده و ما درصدد خنثی کردن آن هستیم.

تحقیقات جرم‌شناسی در کانادا که از جمله کشورهای مهم در علم جرم‌شناسی است نشان داده است که رفتارهای تهاجمی انسان در سن دو سالگی به اوج می‌رسد.

۱. در مقررات مدنی و حقوقی اصل بر آزادی اراده است. ولی امروزه در قراردادهای الحاقی آزادی اراده وجود ندارد. در مقابل، در حقوق قهرآمیز (Coercive) (مجازات) آزادی اراده اصولاً راهی ندارد:

الف) مجرم در الحاق به آنها تأثیری ندارد و یک سویه است (گرچه امروزه این امر با مجازاتهای دو سویه چون مجازات خدمات عام المنفعه تعدیل شده است). از این رو بحث پیشگیری در این دسته نمی‌تواند قرار گیرد. زیرا در پیشگیری مجرم مورد نظر باید رضایت داشته باشد.

ادامه پاورقی در صفحه بعد

ادامه پاورقی صفحه قبل

ب) مجازات سوء پیشینه به دنبال دارد: سوء پیشینه قضایی و سوء پیشینه اجتماعی یا کمانه‌ای (سوء پیشینه کمانه‌ای قضاوت بد اجتماع در مورد فرد است از این رو در فرانسه لفظ «متهم» تبدیل به «شخص تحت بررسی» شده است، تا از اصل برائت حمایت شده و از ضمانت اجراهای کمانه-های جلوگیری شود. البته امکان دارد که با گذشت زمان این لغت جدید نیز بار منفی به خود بگیرد ولی در آن زمان نیز دوباره می‌توان واژه جدیدی را جایگزین آن نمود.

کودک دو ساله با مشیت و لگد پرخاشگری نارضایتی خود را نشان می‌دهد. از این سن به بعد این واکنش تهاجمی اندک اندک کاهش یافته و در واقع این مهم از طریق تربیت و پرورش خانه و مدرسه محقق می‌شود. اما اقلیتی از کودکان به رفتارهای پرخاشگرانه ادامه داده و در دوران نوجوانی کماکان از طریق این رفتارها متعرض اشخاص می‌شوند و اقداماتی را مرتکب می‌شوند که وصف مجرمانه دارد. ادامه بزهکاری در سنین بعد بعضاً در همین فرآیند توجیه می‌شد. بعضی از رفتارها مستقیماً با موقعیت‌ها و وضعیت‌های مجرمانه در ارتباط هستند. به عنوان نمونه جوانی وارد فروشگاه زنجیره‌ای شده است که در آن نظارت سنتی وجود دارد، این موقعیت (عدم وجود ناظر و فروشنده مستقیم) سبب می‌شود که در برابر وسوسه تملک (ساعت و آدامس) تسلیم شود. البته یک نوجوان دیگر به لحاظ آنکه از طریق خانواده، مدرسه، دوستان و ... مجهز به علل خود کنترل شده در آستانه ارتکاب جرم متوقف شده و با کنترل کردن خود از تعریض به مال دیگری خودداری می‌ورزد. از این رو اهمیت شرایط وضعی و شخصی به همراه یکدیگر روشن می‌شود. اقدام مجرمانه تا اندازه‌ای به خاطر وجود نظارت‌های محیطی یا فقدان آنها می‌تواند اتفاق بیافتد. اما ارتکاب جرم ناظر به آینده است و نتایج جرم را می‌بایست در آینده جستجو کرد. (گرچه علت جرم ممکن است در گذشته باشد).

علت سرقت را از یک سو باید در اوضاع و احوالی جستجو کرد که نتیجه مطلوبتری را برای فرد ایجاد می‌کند. علت سرقت از سوی دیگر ناشی از عدم خود کنترلی و فقدان جامعه‌پذیری، مردم آمیزی است که سبب می‌شود فرد خود محور گشته و بدون توجه به موانع مرتکب جرم شود. با این توضیحات دو نوع پیشگیری مطرح می‌شود:

۴-۱- پیشگیری وضعیت مدار<sup>۱</sup>

در این نوع پیشگیری به دنبال اثرگذاری بر موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی هستیم که بروز رفتار تهاجمی یا تملک‌آمیز را فراهم می‌کند. رفتارهای مجرمانه از دو حالت خارج نیست، خشونت‌آمیز و یا نیرنگ‌آمیز، رفتارهای خشونت‌آمیز حاکی از سوء استفاده از زور و نیروی شخص است. این سوء استفاده‌کننده، ضارب، جارج و یا قاتل خواهد بود. رفتارهای نیرنگ‌آمیز به همراه تقلب است (همانند کلاهبرداری). در پیشگیری وضعیت مدار می‌بایست بر موقعیت‌هایی که امکان ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز یا نیرنگ‌آمیز را بوجود می‌آورند تأثیر گذاشت.

۴-۲- پیشگیری فرد مدار<sup>۲</sup>

پیشگیری از طریق اعمال و اقداماتی است که بر خود فرد تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب خلاءهای فردی را پر کند. این خلاءها روی هم رفته در بخش اندکی از افراد در دوران طفولیتی بوجود می‌آید. در این رویکرد اقدام بر فرد به ندرت مستلزم برخورد با والدین است. به عنوان نمونه ممکن است پدر و مادر کودک معتاد باشند و یا از هم جدا شوند. در پیشگیری فرد مدار علاوه بر خود فرد به خانواده، مدرسه، محیط دوستان و ... نیز می‌بایست توجه شود. پیشگیری نوع دوم نیز خود شامل بر پیشگیری رشد مدار<sup>۳</sup> و پیشگیری اجتماعی<sup>۴</sup> است.

پیشگیری رشد مدار. پیشگیری از بزهکاری از طریق اتخاذ اقدامات مختلف در طول رشد فرد است. ویژگی این نوع پیشگیری آن است که علاوه بر خود فرد، شامل

اشخاص و محیط‌هایی می‌شود که وی را مجهز به وسایل مقاومت در مقابل جرم نکرده‌اند.

پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی فرد، محیط اجتماعی عمومی مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی که نسبت به همه مشترک است و محیط اجتماعی شخصی که خاص خود فرد است همانند محله، خانواده و ....<sup>۱</sup>

## ۴-۲-۱- هدف پیشگیری فرد مدار

در پیشگیری اجتماعی و زودرس هدف آن است که دو بعد تقویت گردد:

الف) تقویت ساز و کارهای خود کنترلی، از طریق اهرم‌های خانوادگی (تنبیه و تشویق). بدین گونه نوجوان به قبح و زشتی عمل خود پی برده و این امر برای او درونی می‌شود.

ب) آموختن مهارت‌های اجتماعی به طفل و نوجوان، یعنی رفتارهای اجتماعی، تعامل با دیگران. طرز رفتار در محیط خارج از خانه به طفل آموزش داده می‌شود، به طوری که نوجوان به صورت خودکفا بتواند به صورت یک عضو صاحب حقوق و تکالیف ظاهر شود. این آموزش می‌تواند شامل آموزگاران و والدین نیز بشود. زیرا وقتی آموزگاران و والدین قصور کرده‌اند، بدین معنی است که آنها نیز خود تکالیف خود را به خوبی نیاموخته‌اند. در انگلستان اگر کودک تا یک سن بخصوص مرتکب

1- ر.ک. به: علی حسین، نجفی ابرنآبادی، جزوه مباحثی در علوم جنایی: پیشگیری، ص ۲۰ (تقریرات استاد در درس جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، نیم سال نخست سال تحصیلی ۷۹-۸۰، تهیه و تنظیم: محمد علی بابایی)

1. Situation - based crime prevention  
2. Individual - based prevention  
3. Developmental (Early) prevention of crime  
4. Social prevention of crime

اشخاص و اموال در مقابل تجاوزات خاص است. هدف از نصب نرده مصون ساختن منزل از سرقت است و این کار ربطی به پیشگیری از قتل ندارد. نصب دزدگیر پیشگیری از سرقت ماشین است نه جلوگیری از ضرب و جرح افراد. پیشگیری وضعی سیبل مدار و مال مدار است و برای یک جرم خاص اعمال می‌گردد، حال آنکه پیشگیری فرد مدار حالت کلی و عمومی دارد.

ب) پیشگیری اجتماعی تربیت مدار<sup>۱</sup> است و در آن بر آموزش و پرورش تأکید می‌شود. در مقابل پیشگیری وضعی مرتبط با دفاع<sup>۲</sup> از اموال و یا اشخاص در مقال تهدیدهای مجرمانه است.

ج) هدف پیشگیری اجتماعی عمومی بوده و سیبل یا آماج خاصی ندارد. در پیشگیری اجتماعی به دنبال جلوگیری از استقرار ناسازگاری<sup>۳</sup> در فرد هستیم. این سازگاری ممکن است به صورت‌های مختلفی چون سرقت، مواد مخدر، افسردگی و ضرب و جرح نمود پیدا کند. اما هدف پیشگیری وضعی بستگی به طرح و پروژه خاص دارد. هدف از نصب دوربین در داروخانه، جلوگیری از سرقت در آنجا است. بنابراین هدف پیشگیری وضعی بنا به سایت و موقعیت<sup>۴</sup> تفاوت می‌کند.

د) متولی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی با یکدیگر متفاوت است. در پیشگیری اجتماعی عوامل اصلی مددکاران اجتماعی، مربیان و سایر افرادی هستند که در تربیت اطفال و سایر افراد مداخله می‌کنند. حال آنکه در پیشگیری وضعی در حله

بزهکاری گردد، والدین وی محکوم به طی کردن دوره‌های آموزش و ظایف مادری، پدری می‌شوند. این دوره‌ها به مدت ۴ ماه و هفته دو روز ادامه دارد. حتی گاهی در صورت بزهکاری کودک، کمک مالی به والدین کم‌درآمد قطع می‌شود.

#### ۴-۲-۲- شباهت پیشگیری رشد مدار و پیشگیری اجتماعی

در حقیقت پیشگیری رشد مدار نوعی پیشگیری اجتماعی است که ناظر به قشر خاصی است. اطفال موضوع پیشگیری رشد مدار می‌باشند، حال آنکه در پیشگیری اجتماعی تمام افراد مدنظر قرار می‌گیرند. دو دلیل نزدیکی بین پیشگیری اجتماعی و پیشگیری رشد مدار را توجیه می‌کند.

الف) هدف پیشگیری رشد مدار آن است که شخص جامعه‌پذیر شده و توانایی زیستن در جامعه را کسب کند.

ب) پیشگیری رشد مدار، علاوه بر سوژه، ناظر به محیط اجتماعی شخصی خود فرد هم می‌شود.<sup>۱</sup> در پیشگیری زودرس با توسل با ساز و کارهای مختلف به دنبال اجتماعی کردن کودک هستیم. در پیشگیری اجتماعی نیز ما به دنبال متوقف کردن و عقیم کردن و ایجاد تحول در شخصیتی هستیم که فرد را بسوی ضدیت و جامعه ستیزی می‌کشاند.

#### ۴-۳- تفاوت پیشگیری فردمدار و پیشگیری وضعیت مدار

الف) کارکرد پیشگیری فرد مدار آن است که در روندی که در پایان فرد را تبدیل به مجرم می‌کند، وقفه ایجاد نماید. در عوض کارکرد پیشگیری وضعی حمایت از

1. Education - based crime prevention

2. Protection - based crime prevention

3. maladjustment

4. Site

1. همانگونه که بیان شد محیط اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شود: (۱) محیط اجتماعی عمومی، (۲)

محیط اجتماعی شخصی (به نمودار محیط که پیوست جزوه هست توجه فرمائید)

نخست، مجنی علیه احتمالی و در مرحله بعد پلیس و سایر افراد مجری پیشگیری وضعی است.

ه) پیشگیری اجتماعی جاری در زمان است. به عنوان نمونه در پیشگیری رشد مدار، رشد در سنین مختلف وجود دارد. هدف در پیشگیری اجتماعی و رشد مدار آن است که با اقدام در مقاطع سنی مختلف، شخص مجهز به دو نوع سلاح شود:

۱. امکان خود کنترلی یا موانع اختلاقی درونی شده.
  ۲. مهارت‌های اجتماعی: فرد بتواند در مقاطع مختلف در جامعه حشر و نشر کرده و قواعد جامعه را رعایت کند.
- در مقابل پیشگیری وضعی تنها ناظر بر یک زمان خاص است و در زمان ادامه نمی‌یابد.<sup>۱</sup>

---

۱- استاد در پاسخ به سؤالی پیرامون ارتباط میان پیشگیری‌های اولیه، ثانویه و ثالث پیشگیری اجتماعی چنین توضیح دادند: این مباحث نخستین بار در سال ۱۹۶۷ به تقلید از الگوی معمول پزشکی وارد بحث‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه شد.

پیشگیری اولیه شامل اقداماتی می‌شود که جهت‌گیری آن بر هم‌زدن اوضاع و احوال جرم‌زا در محیط فیزیکی و اجتماعی است.

پیشگیری ثانویه مداخله در حالت‌های خطرناک است. در این سطح پیشگیری از انفجار یک بحران و تعدیل آن است. مثلاً دانش‌آموزی دچار شکست تحصیلی می‌شود و ما برای آنکه وی مرتکب جرم نشود برنامه اصلاحی روی او اجرا می‌کنیم.

پیشگیری ثالث تدابیری است که برای مهار آثار، انفجار و بحران بکار گرفته می‌شود. جرم علیرغم دو پیشگیری قبلی به وقوع پیوسته است. در این مرحله ما درصدد هستیم تا از مزمن شدن بزهکاری و تکرار آن جلوگیری کنیم.

پیشگیری اجتماعی را می‌توان شامل بر پیشگیری اولیه و گاه پیشگیری ثانویه است. پیشگیری اولیه

## ۵. سنجش کارنامه پیشگیری

پیشگیری مستلزم سرمایه‌گذاری وسیع نیروهای دولتی و غیردولتی است. از این‌رو در کشورهایی که سرمایه‌گذاری بر روی برنامه‌های پیشگیری صورت می‌گیرد. شرط می‌شود که بعد از مدت مشخصی نتایج این طرح ارزیابی گردد. هدف از این کار سنجش میزان هزینه با نتیجه است. ارزیابی برنامه‌های پیشگیری می‌بایست سه شرط داشته باشد:

الف) معیار سنجش، معیاری عینی و شفاف باشد، بطوری که ذهنیت‌های مسئولین طرح در آن نقش نداشته باشد. به عنوان نمونه معیار می‌تواند مقایسه نرخ جرم<sup>۱</sup> مورد نظر قبل و بعد از اعمال برنامه پیشگیرانه باشد.

ب) کنترل منظم برنامه (مرحله به مرحله) از نظر کیفی و کمی.

ج) مقایسه برنامه پیشگیری بر روی یک گروه خاص، با یک محله شاهد (کنترل). اگر به عنوان نمونه برنامه پیشگیری از سرقت را در یک محله خاص اجرا می‌کنیم، می‌بایست یک محله مشابه دیگر را به عنوان شاهد برگزیده و پس از اتمام برنامه، نتایج را در این دو محله با یکدیگر مقایسه کنیم.

---

در حقیقت همان جامعه‌پذیر کردن افراد از طریق اقناع درونی است. دو پیشگیری اولیه و ثانویه همچون پیشگیری اجتماعی خارج از نظام کیفری قرار می‌گیرد، حال آنکه پیشگیری ثالث می‌تواند در داخل فرایند کیفری تعریف گردد.

### 1. crime rate

نرخ یا میزان جرم عبارت است از رقم ارتکاب جرم در مقایسه با کل جمعیت که با به وسیله محاسبه نرخ مجرمین یا به صورتی که بیشتر رایج است، توسط تعداد جرایم ارتکابی در یک دوره زمانی مشخص اندازه‌گیری می‌شود. به نقل از: علی حسین، نجفی ابرنآبادی و حمید، هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷: ص ۶۸.



در ارزیابی یا مطالعات سنجشی<sup>۱</sup>، به دنبال جلوگیری از هدر رفتن سرمایه هستیم. البته

می‌بایست توجه داشت که نتایج برنامه‌های پیشگیرانه در مقایسه با برنامه‌های سرکوبگرانه هم دیرتر به نتیجه می‌رسد و هم رؤیت‌پذیری کمتری دارد. در نظام سرکوبگری، تعداد محکومین و زندانیان مشخص است. دولت‌ها و مسئولین اجرایی ممکن است برای جذب افکار عمومی متوسل به این گونه آمارها بشوند که از لحاظ جرم‌شناسی اهمیت چندانی ندارد. اما بیان کار کیفی به لحاظ اداری و صوری از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و حتی ممکن است در این راه اغراق نیز بشود. به عنوان نمونه وجود حق‌الکشف برای مأمورین مبارزه با مواد مخدر، می‌تواند منجر به اقدامات صوری و نادرست بشود. به هر حال در نظام کیفی این عدد و رقم معمولاً مشخص است، حال آنکه در برنامه‌های پیشگیرانه می‌بایست صبر اختیار کرد.

## گفتار اول: پیشگیری وضعی

### ۱- مقدمه

اقدام‌های وضعی به منظور جلوگیری از جرم سابقه کهنی در تاریخ دارد. انسان‌ها همواره برای مصون‌سازی خود از حملات دیگران اقداماتی را انجام داده و راهکارهایی را عملاً در نظر می‌گیرند. حرز که در حقوق جزا از اهمیت زیادی برخوردار است، نوعی نماد پیشگیری وضعی محسوب می‌شود. علت تشدید مجازات در سرقت حدی، از نظر جرم‌شناسانه آن است که مالک اقدامات احتیاطی وضعی لازم

را انجام داده است و با این احوال سرقت رخ داده است. در این حالت چون بزه‌دیده اقدامات لازم را انجام داده است و احتمال قصور وی نمی‌رفته، مجازات سارق تشدید می‌شود.

در استان‌های مرکزی ایران، نظیر یزد و اصفهان تا چند دهه گذشته مردم جواهرات و اشیاء قیمتی خود را در ظروفی قرار داده و در زیر خاک پنهان می‌کردند. از این‌رو در کاوشها طلا و سکه‌های پول یافت می‌شود. در دوران اخیر بحث پیشگیری وضعی بر حدود ۳۰ سال قبل برمی‌گردد. جرم‌شناسان به طور اتفاقی پی- بردند که اقدامات ساده و ابتدائی برای برخی از اموال در کاهش تعرضات نسبت به آنها مؤثر است. در سال ۱۹۷۰ میلادی برخی از کارخانه‌های خودروسازی، تجهیزات ضد سرقت در فرمان خودرو نصب کردند. (هدف از این کار لزوماً پیشگیری نبود) پس از گذشت مدتی، پلیس متوجه شد که میزان سرقت این قبیل خودروها تا ۷۰٪ پایین آمده است. در شرکت واحد، پس از یک بررسی نتیجه گرفته شد که طبقه دوم، اتوبوسهای دو طبقه بیشتر در معرض تخریب و شعارنویسی قرار دارد. علت این امر را می‌توان در قرار نداشتن طبقه دوم در دیدرس راننده جستجو کرد. پلیس و بعد جرم‌شناسان متوجه شدند که متغیرهای وضعی و موقعیتی می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش میزان جرایم داشته باشد. به همان میزان که تغییر شخصیت انسان در جهت خلاف بزهکاری مشکل است (به دلیل پیچیدگی و غیر منتظره بودن شخصیت انسان)، به همان اندازه تغییر وضعیت آسان و مؤثر است.

البته عنصر انسان در پیشگیری وضعی به کلی نادیده انگاشته نمی‌شود. هدف در پیشگیری وضعی تأثیرگذاری غیرمستقیم بر انتخاب و گزینه مجرمانه فرد و تغییر عقلائیات فرد است. هدف به نوعی ایجاد وقفه در گذار اندیشه مجرمانه به عمل است. با ایجاد تغییرات محیطی درصدد آن هستیم تا بزهکاران بالقوه خود را با اوضاع جدید منطبق کنند. با این حال در پیشگیری وضعی ما به دنبال ایجاد انصراف از بزهکاری

هستیم و حل و فصل قطعی در دستور کار ما قرار نمی‌گیرد. شخصیت مجرم در اقدامات ما جایی ندارد بلکه پیش از آن به محیط پیرامون فرد توجه می‌کنیم.

## ۲- فرضیه اصلی

در پیشگیری وضعی فرض بر آن است که موجود انسانی علی‌الاصول معقول و حساب‌گر است. انسانها در همه زمینه‌ها ناخودآگاه (یا آگاهانه) دست به محاسبه زده و مرتکب ریسک شدید نمی‌شوند. بزهکاران نیز به عنوان بخشی از انسانها از این قاعده کلی مستثنی نیستند. اگر بپذیریم که آنها نیز به دنبال کسب سود و عایدات بالا هستند، می‌توانیم با بالا بردن هزینه‌های ارتکاب جرم، از سود حاصله کم کرده و بدین طریق آنها را از ارتکاب جرم منصرف سازیم، بنابراین در پیشگیری وضعی فرض بر آن است که عمل مجرمانه، اگر چه نامشروع و غیرقانونی، از یک منطبق تبعیت می‌کند.

## ۳- تعریف پیشگیری وضعی

با توجه به توضیحات فوق پیشگیری وضعی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «پیشگیری وضعی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود.»

ایجاد تغییر در مراحل ارتکاب جرم یعنی جاذبه‌زدایی از سیبل جرم، بالا بردن هزینه، سخت کردن ارتکاب جرم و خطرناک کردن آن است.

تعریف دیگری نیز از پیشگیری وضعی ارائه شده است: «تدابیری که فرصت‌ها و مناسبت‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.»

## ۴- خصوصیات پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی خصوصیات خاص خود را دارد:

الف) این اقدامها معطوف به جرایم خاصی است. مثلاً در جرایم غیرعمدی پیشگیری وضعی معنی ندارد. چرا که در جرایم غیرعمدی بین مرتکب و مجنی علیه رابطه وجود ندارد و این دسته از جرایم در یک لحظه بوقوع می‌پیوندد. البته نوعی پیشگیری وضعی در مورد برخی از جرایم غیرعمدی نیز متصور است. همانند نصب سرعت‌گیر در خیابان‌ها و یا نصب آژیر هشدار دهنده در سرعت‌های بالا، این دو می‌تواند جهت پیشگیری از قتل غیرعمد و تصادفات به کار رود.

ب) هدف اقدامات وضعی شرایط پیرامونی جرم است. روشن کردن چراغ در یک کوچه تاریک فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. پیشگیری وضعی بزه‌دیده مدار است (پیشگیری اجتماعی مربوط به شخص بزهکار است) در پیشگیری وضعی مجرم به صورت غیرمستقیم مطرح است. بنابراین پیشگیری وضعی نوعی پیشگیری غیرمستقیم محسوب می‌شود.

ج) در پیشگیری وضعی به دنبال خطر سازکردن یا پر هزینه کردن اقدام مجرمانه هستیم، همانند کشیدن نرده یا نصب سرعت‌گیر در خیابان. استقرار پلیس در گلوگاهها خطر دستگیری را بالا می‌برد. پیشگیری وضعی ارتکاب جرم را شفاف می‌سازد و از سوی دیگر عایدات جرم را کمتر می‌کند. اگر از خرید و فروش اموال مسروقه جلوگیری شود، سرقت دیگر عایداتی نخواهد داشت. با جرم‌انگاری پول‌شویی هدف مبارزه با قاچاق مواد مخدر را پی می‌گیریم. در این دسته از جرائم، جرم قاچاق، سرقت جرائم مسند یا اصلی نسبت به جرم مالخری محسوب می‌شود، در جرم تطهیر، بزهکار به دنبال قطع رابطه پول با منشاء مجرمانه آن است. این عملیات تشریفاتی جز قاچاق دارد. در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) در کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر به دولتها «دستور» جرم‌انگاری پول‌شویی داده شد.

البته این مسئله با محدودیت‌هایی نیز مواجه است، چرا که با وجود بهشتهای کیفی که در آنجا این اقدامات جرم‌انگاری نشده و یا مجازات کمی برای آن در نظر

گرفته شده، و یا حتی مأمورین آنجا قابل خریدن هستند، بزهکاران بیشتر به سراغ این کشورها می‌روند.

این امر به اصطلاح forum shopping (خریدن دادگاه) نامیده می‌شود. همانگونه که ما سعی در پیدا کردن مغازه‌ای هستیم که اجناسش را ارزاتر می‌فروشد، قاچاقچیان نیز به دنبال کشوری هستند که هزینه کیفری در آن کم باشد. خرید دادگاه الزاماً با دادن پول به فاضی صورت نمی‌گیرد، بلکه منظور آن است که عمل مجرمانه در آن کشور اصلاً جرم نباشد یا مجازات کمتر باشد.

بنابراین با اعمال پیشگیری وضعی عایدات جرم کم می‌شود. (هزینه، درآمد) این امر یادآور دیدگاه‌های بنتام است. وی اینچنین اظهار نظر می‌کند: «هر فرد، حتی به طور ناخودآگاه، بنا بر محاسبه خوبی (نفع لذت) و بدی (رنج و ناراحتی) حاصل از کردار خود امور خویش را اداره می‌کند. اگر دریابد که نتیجه عملی که از آن سود می‌برد کیفر خواهد بود در آن صورت این اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتکاب آن عمل باز می‌دارد»<sup>۱</sup>. این ایده به نام فرمول حسابگری کیفری مطرح شده است.

ولی آیا هزینه سود و زیان در همه موارد صادق است؟ به طور کلی جرایم به دو دسته جرایم مادی و جرایم روحی تقسیم می‌شوند. جرایم مادی نوعی فعالیت اقتصادی محسوب می‌شوند ولی جرایم روحی یک سلسله نیازهای روحی را برآورده می‌کنند. در جرم قتل و تجاوز همواره پول مطرح نیست. در این جا لازم است تأکید شود که منظور ما از محاسبه سود و زیان، تنها محاسبه سود و زیان مادی نیست، بلکه در این محاسبه سود، اعم از سود مادی و غیرمادی است.

۱. برای ملاحظه نظرات بنتام ر.ک. به؛ ژان، پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین

دو دسته از بزهکاران فاقد توانایی محاسبه سود و زیان هستند و از این رو پیشگیری وضعی در مورد آنها کارایی چندانی نمی‌تواند داشته باشد. گروه نخست مجرمین مختل المشاعر هستند و گروه دوم کودکان بزهکار هستند که توانایی محاسبه سود و زیان را ندارند.

البته در برخی از خرده فرهنگها، مجازات نوعی افتخار برای شخص محسوب می‌شود. از اینجا نیز شاید سود و زیان (آن طوری که ما انتظار داریم) وجود نداشته باشد. در برخی از جرائم نیز حالت‌های استثنایی وجود دارد. به عنوان نمونه در جرم قاچاق با اندک تلاش، سود بسیار زیاد حاصل می‌شود. در اینجا تهدید به بزرگترین مجازات (بیشترین زیان ممکن) نیز می‌تواند زیاد کارساز باشد. به همین جهت گاه پیشنهاد می‌شود که برای جاذبه زدایی، قاچاق آزاد شود و توزیع مواد در اختیار دولت قرار بگیرد. اما حاکمیت ملی در اینگونه موارد تحت تأثیر کنوانسیون‌های بین‌المللی محدود می‌شود.

### ۵. اشکال پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی از دیروز تا امروز با اشکال مختلفی اجرا می‌شده است:

#### ۱-۵- شیوه سنتی نظارت و کنترل

در اینجا با کنترل وضعیت‌های مشرف بر ارتکاب جرم، خطر دستگیری و کشف جرم بالا رفته و اسباب انصراف مجرم فراهم می‌شود. در این شیوه مأمورین پلیس، نگهبانان، بانک، سرایداران و فروشندگان فروشگاههای زنجیره‌ای گنشگران انسانی محسوب می‌شوند. اما امروزه الکترونیک هم به کمک این گونه نظارت آمده است. دوربین‌های مخفی، هشدار دهنده‌ها، آشکار کننده‌ها و در کنار آنها نسل‌های تربیت شده برای شناسایی مواد منفجره و یا مواد مخدر به کمک پیشگیری وضعی آمده است. این نظارت‌ها به معنی حضور قانون و یادآور وجود حاکمیت است. البته

حضور حقوق در این مرحله به شکل غیرقهرآمیز است. زیرا هنوز در مرحله پیشگیری قرار داریم.

#### ۲-۵- ایجاد حفاظت‌های فیزیکی و اقدام‌های مادی

برای ایجاد مانع در سر راه بزهکاران مصمم، به طوری که جان و اموال افراد از تعرض و سرقت مصون شود. نمونه خوب آن این است که در آپارتمان، علاوه بر در اصلی در آهنی قرار داده شود.

#### ۳-۵- کنترل ورودیها و خروجیها

به عنوان نمونه در فروشگاه‌های بزرگ، برخلاف بقالیها با مالک روبرو نمی‌شوید، لذا طبق آمار وسوسه سرقت در اینجا بیشتر است. اگر جنون سرقت را کنار بگذاریم، سایر اقشار ممکن است به راحتی تسلیم وسوسه سرقت بشوند. لذا در ایران به هنگام خروج ساک افراد را کنترل می‌کنند. روش بهتر نصب گیت‌های مغناطیسی است که اگر کدبار کالا خنثی نشده باشد، آژیر به صدا درمی‌آید. البته علیرغم این تمهیدات سرقت از فروشگاه‌ها ادامه پیدا می‌کند. در تئوری‌های غربی، وقوع میزان معینی از سرقت را دلیل بر دکوراسیون مناسب می‌دانند (چون دکور مناسب تحریک کننده است). برای این درصد به عنوان Pert قیمتی را در نظر گرفته و به قیمت کالا اضافه می‌کنند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۵- کنترل ابزاری که ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند

ادواتی که ممکن است در ارتکاب جرم مؤثر باشند می‌باشند محدود گردند. به عنوان نمونه، جرم انگاری حمل اسلحه نوعی پیشگیری وضعی است.

حمل اسلحه می‌تواند درگیری ساده را تبدیل به قتل و یا ضرب و جرح نماید. یا نمونه دیگر منع مشاهده فیلم‌های خاص برای اطفال است. مشاهده این فیلم‌ها می‌تواند ارتکاب جرم را تسهیل کند (facilitator) مثال دیگر منع پذیرش اطفال و نوجوانان توسط رستورانها، اتوبوسها و مهانسراهاست، چرا که این امر می‌تواند جلوی فرار کودکان از خانه را بگیرد.

#### ۵-۵- ایجاد مانع در سر راه برقراری تماس بین بزهکار بالقوه و آماج و هدف

##### جرم (بزه‌دیده بالقوه)

مثلاً در صورت تغییر مسیر رفت و آمد مسئولان و سرمایه‌داران از سوء قصد به جان ایشان پیشگیری خواهد شد. یا به عنوان نمونه دیگر ایجاد محدودیت در ساعت فعالیت برخی اصناف، مثلاً نیروی انتظامی به رستورانها دستور داده است از ساعت ۱۲ یا ۱ بعد از نصف شب به بعد فعالیت ننمایند. گذشته از وجاهت قانونی این بخشنامه، این امر شاید به منظور پیشگیری وضعی از امکان برخورد بزهکار بالقوه و بزه‌دیدگان بالقوه ایجاد شده باشد. اگر دختر بچه‌ای طلا و جواهرات استفاده کند، امکان ارتکاب جرم بر وی افزایش خواهد یافت. بنابراین می‌توان با ایجاد مانع در سر راه برقراری تماس میان این دو کُنشگر مختلف از ارتکاب جرم پیشگیری نمود.

#### ۶-۵- جاذبه‌زدایی

اگر جاذبه مالی و روانی سیبل جرم کاسته شود، به طوری که منافع ارتکاب جرم کاهش یابد، بنا به اصول جلوی ارتکاب جرم گرفته خواهد شد. به عنوان نمونه، استفاده از کارتهای اعتباری بجای پول نقد جاذبه مالی را از کیفی قابی می‌زاید. با

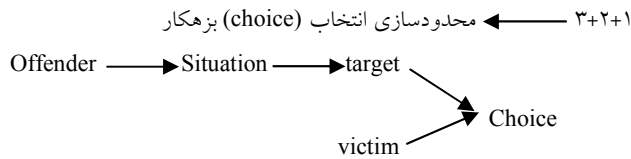
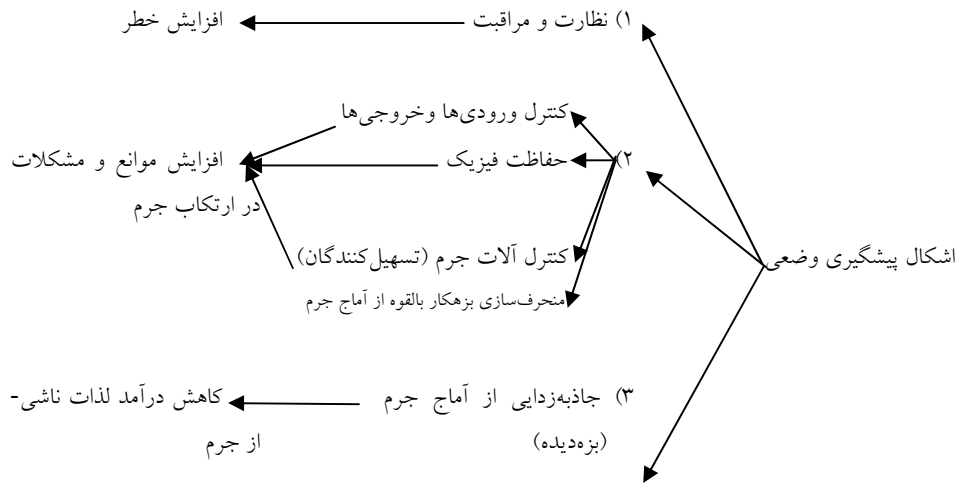
۱. البته به خاطر کثرت سرقت از فروشگاه‌ها، شاهد نوعی قضازدایی از این پدیده هستیم، پلیس به طور ضمنی و عملی می‌پذیرد که سرقت از فروشگاه‌ها در بار نخست میان صاحب فروشگاه و طرف مقابل حل و فصل شود. در اینجا نوعی عدالت صنفی شکل گرفته است و در فروشگاه‌های بزرگ جایی برای این کار در نظر گرفته شده است.

## جرم‌شناسی ۱۲۵۷

هویت دار کردن خودروها با شماره‌های نامرئی، مالک می‌تواند جلوی خرید و فروش اموال مسروقه را بگیرد. کارخانه‌های ساعت‌سازی سوئیس، با حک کردن شماره خاصی در روی ساعت آن را هویت‌دار کرده و خرید و فروش ساعت‌های مسروقه را کنترل می‌کنند.

همه این اقدامات با هدف بالا بردن هزینه جرم، کاهش دادن عواید جرم و تغییر انتخاب بزهکاران صورت می‌گیرد. از آنجا که بزهکاران معقولانه ارتکاب جرم را انتخاب می‌کنند، این اقدامات باید بتواند ایشان را از ارتکاب جرم منصرف نماید.

## ۱۲۵۸ مباحثی در علوم جنایی



\* واکنش بزهکار

\*\* اوضاع و احوال حاکم بر جرم - اوضاع پیش جنایی

## ۶- رابطه پیشگیری وضعی و مجازات

پیشگیری نافی مجازات نیست. برخلاف نظر معمول که جرم‌شناسی را منافی حقوق جزا می‌داند و معتقد است که جرم‌شناسی حقوق جزا را تضعیف کرده است، جرم-

شناسی و حقوق جزا رابطه متقابلی با یکدیگر داشته و مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. اگر پیشگیری وضعی دارای ضمانت اجرا نباشد. اقدام وضعی اثری نخواهد داشت. ضمانت اجرای کیفری اثر بازدارنده را تقویت می‌کند.<sup>۱</sup>

در پیشگیری وضعی اقدامات غیرکیفری و غیرقهرآمیز مطرح است و بعضاً این اقدامات از لوازم آغاز کار دادرسی کیفری محسوب می‌گردند. هدف از نظارت و مراقبت در فروشگاهها آن است که افراد با دیدن این نظارتها از تعرض منصرف شوند، حال اگر انصراف حاصل نشد، هدف ثانویه این اقدامات دستگیری و شناسایی این افراد است. اینجا است که پیشگیری کیفری و تهدید بالفعل مطرح می‌شود. مجازات در فرآیند کیفری به پیشگیری وضعی قدرت می‌دهد و از طرف دیگر، پیشگیری وضعی، تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات را تسهیل می‌کند. گرچه پیشگیری وضعی عموماً غیرکیفری و فنی است، اما گاهاً نیازمند به زور و قدرت نیز هست.

آنگاه که مأمور نظارت جرمی را کشف می‌کند برای دستگیری مجرم نیاز به زور و قدرت دارد و بدین منظور از پلیس محلی کمک می‌خواهد. حفاظت فیزیکی از

اشخاص و اموال نوعی زور و قدرت منفعل در برابر بزهکاری است. اگر این مجازات، پلیس، ساختمان پلیس و ساختمان زندان نباشد، پیشگیری وضعی معنی و مفهومی نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

#### ۷- فنی شدن پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی ابتدا به صورت خودجوش در طول تاریخ بشر وجود داشته است و انسانها هر یک به نوعی از خود دفاع می‌کرده‌اند. امروزه با توجه به امکانات پیش آمده، پیشگیری شکل فنی<sup>۲</sup> به خود گرفته است.

در پیشگیری وضعی، چند عامل یا کُنشگر داریم. کُنشگر پیشگیری وضعی می‌تواند فن‌آوری یا انسان باشد. در کشورهای صنعتی، پیشگیری وضعی تبدیل به یک صنعت سودآور و یک تجارت شده است. در مقابل امنیت عمومی که در صلاحیت انحصاری دولت است، دولتها به لحاظ مسائل اقتصادی، انسانی و جرم‌شناسانه بیش از پیش بخش خصوصی را وارد مسائل کیفری و از جمله پیشگیری می‌کنند. بدین

1. به عنوان نمونه، پس از اشغال عراق، نماد حاکمیت و پلیس نابود شود. همه یا اغلب افراد، حتی کتابخانه و موزه ملی عراق را غارت کرده و آتش زدند. دلیل این امر را می‌توانیم در عدم حضور پلیس جستجو کنیم. در سال ۱۹۸۶ پلیس اداری کانادا اعتصاب می‌کند. پس از مطالعه معلوم می‌شود که در آن روز آمار برخی از جرائم بطور وحشتناک بالا رفته است. در فرانسه پس از ۴ ماه اعتصاب رانندگان اتوبوس و مترو، شاهد بی‌نظمی و خلاف از سوی شهروندانی بودیم که تا به دیروز شهره قانونمندی و نظم بودند. البته در عراق این نکته نیز مطرح می‌شود که انگیزه مردم عراق انتقام‌جویی از جنایات صدام بوده است. ولی به هر حال توضیح جرم‌شناسی این اغتشاشات، نبود پلیس در نظام امر بوده است.

2. Technical prevention of crime

1. در اینجا خوبست که ارکان پیشگیری کیفری تبیین گردد. پیشگیری کیفری از چند طریق ممکن است:

1. تهدید بالقوه بزهکاران به مجازات. وضع و تصویب قوانین یعنی هشدار به بزهکاران بالقوه.
  2. تهدید بالفعل بزهکاران از طریق اجرای مجازات و برگزاری علنی جلسات دادگاه.
  3. سرعت در برگزاری دادرسی کیفری، سرعت، فاصله میان زمان ارتکاب جرم و زمان اجرای مجازات را کم کرده و بدین طریق رؤیت مجازات بخوبی امکان پذیر خواهد بود.
- پیشگیری کیفری دو شاخه عام و خاص دارد. بازدارندگی عام مرعوب ساختن کل جامعه است و بازدارندگی خاص، ترمیم روانی مجرم و جلوگیری از تکرار جرم توسط وی است.

ترتیب ما شاهد شکل‌گیری نوعی امنیت خصوصی هستیم.<sup>۱</sup> مثلاً شخصیت‌هایی اقتصادی بعضاً برای خود محافظ استخدام می‌کنند و یا از خودروهایی ضد گلوله استفاده می‌کنند. بادی‌گارد و خودرو ضد گلوله را بخش خصوصی فراهم می‌آورد و دولت در این زمینه مسئولیتی بر عهده ندارد. البته مداخله بخش خصوصی می‌بایست در همان حد پیشگیری وضعی باقی بماند.

البته پیشگیری وضعی به صورت فنی خود ممکن است منجر به ارتکاب برخی از جرایم شود. برای درکی این نکته می‌توان به تفاوت میان دفاع مشروع (self-defence) و دفاع شخصی (Personal defence) اشاره کرد. دفاع مشروع حق طبیعی و قانونی هر فرد است، اما شخص حق ندارد برخلاف مقررات قانونی از خود

۱. خصوصی‌سازی امنیت (Privatization of security) یعنی مشارکت مردم و بخش خصوصی در تأمین امنیت از طریق ادوات و وسایل جدید. در این خصوص شاهد خصوصی‌سازی زندان هم هستیم و امروزه در پرتو این تحولات می‌توان سخن از خصوصی‌سازی نسبی عدالت کیفری به میان آورد. مشارکت مردم در دستگیری مجرم، رسیدگی و اجرای مجازات روز به روز بیشتر شده است. (به عنوان نمونه شوراهای حل اختلاف را می‌توان در نظر گرفت. گرچه اعضاء این شورا از طرف دولت مشخص می‌شوند، ولی در نهایت عضوی از جامعه مدنی محسوب می‌شوند ولی در نهایت عضوی از جامعه مدنی در اشکال مختلف نظیر هیأت منصفه و یا میانجی‌گیری کیفری (Penal mediation) بسیار زیاد شده است.

البته باید توجه داشت که این خصوصی‌سازی نباید به طوری باشد که اقتدار دستگاه قضایی زیر سؤال رود. نباید خدمات عمومی رایگان را تبدیل به خدمات خصوصی نمود. امنیت خصوصی یا مشارکتی، یعنی مشارکت خود مردم در ایجاد امنیت از طرف مختلف نظیر فن‌آوری. بری از مسائل به هیچ روی قابل واگذاری بر بخش خصوصی نبوده و از خصائص انحصاری دولت به شمار می‌رود. نظیر ضرب سکه سیاست خارجی و یا امور دفاعی. امور قضائی نیز دقیقاً یکی از برجسته‌ترین این امور بوده که هیچ‌گاه نمی‌بایست به بخش خصوصی واگذار شود.

دفاع بنماید. کشیدن سیم‌خاردار ایرادی ندارد، اما برق وصل کردن بر این سیمها مجاز نبوده و دفاع شخصی محسوب می‌شود. قانونگذار می‌بایست این موارد را احصار و ضابطه‌مند نماید. حمله اسلحه مفرات دقیقی دارد که نقص آنها می‌تواند جرم تلقی شود. مصرف مواد مخدر مجاز و غیرمجاز جهت مبارزه قاچاق می‌بایست معلوم گردد. دولت برای پیشگیری وضعی از سرقت ممکن است شرکت‌های خودروسازی را موظف نماید که بر روی خودرو تجهیزات دزدگیر و ضد سرقت نصب نمایند. در هنگام گرفتن پروانه ساختمان در غرب، مهندسین ساختمان می‌بایست گواهینامه ملاحظات ایمنی و امنیتی را ارائه نمایند. نقض این تعهدات می‌تواند با ضمانت اجراهای تعیین شده پاسخ داده شود.

بنابراین از یک سو برخی از اقداماتی که با هدف پیشگیری وضعی صورت می‌گیرد ممکن است جرم باشد و از سوی دیگر عدم رعایت برخی مقررات ناظر بر این موارد ممکن است تخلف قلمداد گردد.

#### ۸- ارکان پیشگیری وضعی

۱- ارتکاب جرم بر اساس انتخاب گزینه معقول جرم و بر پایه محاسبه منطقی صورت می‌گیرد.

۲- بزهکاران اتفاقی و مزمن هر دو دست به انتخاب می‌زنند. بزهکاران مزمن همان تکرار کنندگان به عادت جرم هستند و بزهکاران اتفاقی نیز افرادی هستند که در اثر یک حادثه مرتکب جرم می‌شوند، ولی آنها نیز در هر حال دست به انتخاب می‌-

زنند. بحث انتخاب تنها در خصوص صغار و بزهکاران مختل المشاعر منتفی است. در مورد سایر مجرمین انتخاب وجود دارد.<sup>۱</sup>

۳- گزینه ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم در وضعیت پیش‌جنایی (وضعیت ما قبل ارتکاب جرم) اتخاذ می‌شود.

شرایط روشنایی و یا تاریکی بر انتخاب مجرم برای ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد. شرایط تسهیل‌کننده و یا عقیم‌کننده تأثیرات متفاوتی باقی می‌گذارند. انتخاب بزهکار تابعی از مناسبت‌های ارتکاب جرم است. که این مناسبت‌ها ریشه در (situation) موقعیت و وضعیت ماقبل بزهکاری دارد.

این بحث در مورد سایر افراد هم صادق است. خصوصیات آماج جرم و بزه‌دیدگان در این میان مؤثر است. سهل‌انگاری یا غفلت بزه‌دیده یا رفتار تحریک‌آمیز وی می‌تواند حتی از علل تخفیف مجازات بزهکار باشد (بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی). در سرقت، قابل دسترس بودن شیء یا کالا، خارج از مرز بودن، آسیب‌پذیر بودن، قابل حمل بودن مؤثر است. از این رو شاهد هستیم که در سرقت از منزل بیشتر پول، طلا، جواهر و فرش‌های سبک سرقت می‌شود.

آلات و ادوات جرم نیز در وضعیت پیش‌جنایی نقش دارند. فراهم بودن وسیله نقلیه، مواد مخدر، الکل و یا اسلحه می‌تواند وقوع جرم را سهل‌تر بگرداند.

۴- شرایط فیزیکی، همانند روشن یا تاریک بودن کوچه.

۵- عوامل کلان

در یک محل معین فرصت‌های ارتکاب جرم تابع متغیرهایی هستند: تعداد آماج‌های جاذبه‌دار (ماشین، خانه و ...) عرف و آداب و نحوه زندگی مردم (مثلاً در محلی که زن و شوهر هر دو صبح تا بعدازظهر بیرون از خانه و سرکار هستند. این فرصت لازم را برای ارتکاب جرم به وجود می‌آورد، زیرا در تمامی روزها در ساعاتی خانه خالی است). فضا، زمان و مکان (سر شب زمان مناسبی برای سرقت است، کوچه تنگ و تاریک برای ارتکاب جرم مناسب است، چون شناسایی و تعقیب مجرم را سخت‌تر می‌کند). ارتکاب جرم نیازمند تقارن زمانی و مکانی بزهکار بالقوه و آماج بالقوه است.

۶- ارتکاب جرایم سبک در آینده ارتکاب جرایم شدید را به دنبال خواهد داشت. ثابت شده است که این عده در دوران طفولیت با جرایم سبک شروع کرده و چون به اندازه کافی به آنها رسیدگی نشده تکرار جرم به وجود می‌آید. بین جرائم شدید ارتكابی امروزی با جرایم سبک ارتكابی در گذشته رابطه وجود دارد. بدین معنی که فرد:

۱. کم‌کم به جرایم سنگین‌تر روی می‌آورد.

۲. آنها مبتلا به تلون مزاج و تغییر روحیه می‌شوند، مرتکب جرم خاصی نمی‌شوند، تکرار عام حاصل خواهد شد.

۳. سارق به عادت، شیوه خاص خود دارد که خشونت در آن جای مهمی دارد.

۴. اتفاق می‌افتد که بزه‌دیدگان از خود دفاع می‌کنند و در اینجا شاهد خشن شدن

تدریجی شدن جرایم هستیم.

۱. برای دیدن توضیحات پیرامون تقسیم مجرمین به پنج گروه دیوانه، مادرزادی، به عادت، اتفاقی و

احساسی توسط انریکو فری، ر.ک. به دانشنامه جرم‌شناسی، ص ۱۶۵.



بنابراین باید بگوئیم که در پیشگیری وضعی عقیده بر آن است که خفیف‌ترین جرم باید پاسخ داده شود. عدم پاسخ سبب تشدید پاسخ می‌شود. در اینجا باید به سندرم پنجره‌های شکسته<sup>۱</sup> اشاره شود. مثالی که در این دکتترین آورده می‌شود، مثال پنجره شکسته یک ساختمان است. اگر پنجره ساختمانی بشکند، و این پنجره تعمیر نشود. رهگذران با سنگ شیشه بعدی و بعدی را می‌شکنند. دیوارنویسها، آن ساختمان را برای کار خود انتخاب می‌کنند. همین‌طور اگر خودرویی در خیابان متروک بماند بطوری که حمایت از رها شدن آن کند بزودی مورد هجوم رهگذران قرار خواهد گرفت و اندکی بعد چیزی از آن باقی نخواهد ماند. با قیاس این مورد به بحث بزهدکاری استدلال می‌شود که می‌بایست به جرایم خرد پاسخ داد. بزهدکاری صغار نباید بی‌پاسخ باقی بماند، زیرا این امر می‌تواند به مزمن شدن بزهدکاری بیانجامد.

صرف تغییر و تعمیر ساختمان، بنا به سندرم پنجره شکسته، نوعی پیشگیری وضعی است که به خودی در مورد جرایم سبک<sup>۲</sup> صادق است. رویکرد حقوقی از سندرم پنجره شکسته نظریه عدالت استحقاقی<sup>۳</sup> است. هر امر خلاف حتی سبک می‌بایست پاسخی در خود دریافت کند. در کنار این رویکرد حقوقی، رویکرد جرم‌شناسانه‌ای نیز به این سندرم وجود دارد که آن پیشگیری وضعی و بهینه‌سازی شرایط و موقعیت‌های اطراف پدیده مجرمانه است.

بنابراین ارکان پیشگیری وضعی به صورت خلاصه عبارت‌شده‌اند از:

(۱) انتخاب یا گزینه اخلاقی جرم

(۲) وجود انتخاب در تمام مجرمین (از جمله بزهدکاران اتفاقی و مزمن)

۱. تأثیر وضعیت پیش جنایی

۲. تأثیر محیط فیزیک

۳. عوامل کلان تقارن زمانی و مکانی بزهدکار - بزهدیده

۴. ارتباط جرایم شدید امروزی با جرایم سبک دیروز

### ۹- معایب پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی در کنار محاسنی که دارد، از چند نظر بر آن خرده گرفته می‌شود:

#### ۹-۱- آثار

آثار پیشگیری وضعی موقت است. پیشگیری وضعی در همان زمان و مکان اجرا نتیجه بخش است، اما فراتر از آن اثری ندارد. پیشگیری وضعی خاص یک جرم در یک مقطع خاص زمانی است. مادامی که اقدامات تقویت کننده سیبل جرم وجود دارد، نتیجه بخش است. اما به محض کاستن از این حمایت، امکان بزهدیدگی رو به فزونی می‌گیرد.

بزهدکار مصمم نیز با وجود پیشگیری وضعی ممکن است از ارتکاب جرم صرف- نظر نکند. بزهدکار خود را با اوضاع و احوال جدید هماهنگ می‌کند و بدنبال سیبلی می‌گردد که بی‌دفاع است. در پیشگیری وضعی با پدیده‌ای به نام جابجایی بزهدکاری یا جرم مواجه هستیم. جابجایی جرم یعنی هنگامی که از یک سیبل خاص در مقابل هجومه‌نگهبانی و محافظت شده، بزهدکار هدف مجرمانه خود را در جایی دیگر، با روشی دیگر و در زمانی دیگر به کار خواهد بست. به عبارت دیگر بزهدکار با رؤیت موانع در هنگام تعرض به یک سیبل منصرف می‌شود، ولی تصمیم وی به ارتکاب جرم از بین نمی‌رود و سیبل دیگری که نگهداری شده نیست را انتخاب می‌کند.

بطور کلی مجرم در هنگام ارتکاب جرم دست به یک محاسبه می‌زند و بقول بتنام بین هزینه ارتکاب جرم و لذت ناشی از ارتکاب جرم یک محاسبه برقرار می‌-

1. broken windows  
2. Trivial (Petit) offenses  
3. Just deserts

کند و چنانچه منافع تعرض به آن سیبل بیشتر از هزینه آن جرم بود، از اندیشه به عمل می‌رود و گذار از اندیشه به عمل اتفاق می‌افتد.

پس، از اعمال اقدامات پیشگیری وضعی سه حالت ممکن است رخ دهد:

الف) بزهکار با مشاهده آماج محافظت شده به دنبال سیبل دیگری در جای دیگر و یا در زمان دیگر برود. در اینجا پدیده جابجایی بزهکاری روی می‌دهد. (نوع جرم تغییر می‌کند).

ب) با رؤیت آماج محافظت شده مرتکب جرم خفیف شود. یعنی پیشگیری وضعی در این حالت موجب تخفیف شدت و خطرناکی جرم شود.

ج) حالت سوم که اقدامات وضعی در آن مؤثر شود و بزهکار با رؤیت سیبل محافظت شده بدنال راه‌حل دیگری جز ارتکاب جرم بگردد. بعنوان مثال اگر راننده اتوبوس خود بلیط نیز بفروشد. این خطر وجود دارد که بخاطر همراه داشتن وجه نقد مورد تعرض قرار گیرد. اما اگر بلیط تنها در باجه‌های بلیط‌فروشی فروخته شود، وی را از اینکه مورد سرقت واقع شود، حفاظت نموده‌ایم. این عمل نوعی پیشگیری وضعی محسوب می‌شود.

یکی از ویژگیهای پیشگیری وضعی آن است که پیشگیری وضعی یک سری آثار جنینی در زمان و مکان دارد: تحقیقات نشان داده است که اگر در نقطه « آ » و آماجهایی که در نقطه « آ » وجود دارد، اقدامات مناسب به منظور محافظت از جرم انجام دهیم، آثار پیشگیرانه این اقدامات بر نقاط «ب»، «پ» و «ج» نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر پیشگیری وضعی آثار انتقال نیز دارد.

در یک تحقیق، تمام کتابهای یک کتابخانه مجهز به اتیکت مغناطیسی ضدسرقت شده بودند. به طوری که اگر این اتیکت توسط کتابدار ختنی نمی‌شد، به محض خروج کتاب از کتابخانه آژیر به صدا در می‌آمد.

در اینجا شاهد هر دو پدیده جابجایی بزهکاری و اثر انتقالی پیشگیری وضعی بوده‌ایم. از یک سو ملاحظه شد که تعدادی از دانشجویان بجای سرقت کتاب، صفحات مورد نیاز خود را برش داده و با خود می‌بردند. (تغییر سیبل جرم یا کاهش شدت جرم). پیشگیری وضعی در کتابخانه‌ها هنوز نتوانسته این معضل را حل کند. از سوی دیگر تحقیقات در مورد دانشجویان یک دانشگاه نشان می‌دهد که نرخ سرقت کتاب در طول چند سال اجرای برنامه نصب کد مغناطیسی در داخل کتاب کاهش یافته است، اما جالب اینکه کاستهای ویدئویی، اسناد بین‌المللی، اسناد رسمی کنگره آمریکا، مجلات و آرشیوهایی که مجهز به کد مغناطیسی نبودند نیز از نظر مجرمین محافظت شده تلقی و نرخ سرقت در این گونه موارد نیز به شدت کاهش یافته بود.

این تحقیق نشان می‌دهد که اقدامات وضعی پیشگیری از بزه‌دیدگی نسبت به یک هدف خاص آثار مثبتی بر موضوعات و اموال مجاور سیبل جرم دارد. این توزیع یا پخش، آثار جنینی زمانی و مکانی پیشگیری وضعی محسوب می‌شود.

#### ۹-۲- ایراد حقوقی

پیشگیری وضعی عمدتاً در جهت حمایت و حفاظت از یک کالا و یا یک موضوع خاص است. این کالا یا مال متقول یا فی حد ذاته در دسترس مجرمین است و یا از طریق یک انسان و بطور غیرمستقیم در اختیار ایشان قرار می‌گیرد. در هر دو حال، پیشگیری وضعی مستلزم اقدامات و تدابیر است که خلوت افراد و زندگی انسانها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

برای جلوگیری از سرقت منزل می‌توان سرایدار استخدام نمود یا دوربین مخفی کار گذاشت که طبعاً در کاهش میزان بزه‌دیدگی مؤثر خواهد بود. این دو اقدام (نصب دوربین و استخدام سرایدار) در کاهش سرقت تأثیر بسزایی داشته ولی تا حدی

زندگی خصوصی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و افراد غیر مجرم نیز ممکن است تحت الشعاع قرار گیرند.

از طرف دیگر پیشگیری وضعی سبب می‌شود که ما با جامعه‌ای پلیس و صددرصد محافظت شده روبرو شویم و مثلاً برای مبارزه با تعرضات جسمانی اقدام به گماردن نگهبان در سر هر کوچه و خیابان بکنیم که در نهایت سبب می‌شود که خلوت زندگی افراد از بین برود و جامعه تبدیل به دژی شود که افراد سالم در آن زندگی می‌کنند.

#### ۹-۳- ایراد اقتصادی

پیشگیری وضعی مستلزم سرمایه‌گذاری است. نصب دزدگیر بر روی خودرو یک هزینه اضافی بر مالک خودرو تحمیل می‌کند. نصب دوربین و استخدام سرایدار متضمن هزینه‌ای است که ممکن است تمام اهالی آپارتمان قادر به پرداخت آن نباشند. از این رو می‌توان گفت که پیشگیری وضعی نوعی تبعیض امنیتی در برابر افراد ایجاد می‌کند. و افراد ثروتمند و دولت‌هایی ثروتمند بهتر می‌توانند خود را برابر جرم مصون نگاه دارند.

#### ۹-۴- ایراد جرم شناختی

پیشگیری وضعی برای همیشه و سوسه‌های جرم را از بین نمی‌برد و در حقیقت نوعی مسکن است. تا هنگامی که این اقدامات و امکانات تأمین گردد، سیبل محافظت می‌شود. و هرگاه این امکانات تأمین نگردد، سیبل مورد تعرض قرار می‌گیرد. به همین دلیل پیشگیری وضعی اکسیر جرم نیست، بلکه مسکن جرم است و دقیقاً از همین رو است که امروزه بیش از پیش بر نقش پیشگیری اجتماعی تأکید می‌شود.

## گفتار دوم: پیشگیری اجتماعی

### ۱- مقدمه

پیشگیری وضعی ناظر بر موقعیت و ناظر بر اوضاع و احوال ما قبل جرم است. تأثیر پیشگیری وضعی و کارآیی آن نسبت به نوع جرم و انگیزه و اوضاع و احوال جرم محدود است.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که مجرمین با انگیزه این اقدامات را دور می‌زنند و حتی اگر از هدف محافظت شود، برنامه خود را تغییر می‌دهند. مثلاً سارقانی که قبلاً برای بدست آوردن پول از منازل سرقت می‌کردند با قرار دادن دزدگیر و استخدام سرایدار بر سرقت از بانک رومی‌آوردند. به علت محدودیت پیشگیری وضعی، تمایل به سمت پیشگیری اجتماعی بیشتر شده است. در این گفتار. ابتدا به تعریف پیشگیری اجتماعی پرداخته و سپس درباره انواع آن، پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشد مدار توضیح خواهیم داد.

### ۲- تعریف و تبیین پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی، ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌شود. پیشگیری اجتماعی نتایج مثبتی داشته است.

در پیشگیری اجتماعی بدنال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم، محور اقدامات در پیشگیری اجتماعی فرد است، به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی مجرم‌مدار و فردمدار است. در حالی که پیشگیری وضعی بزه‌دیده مدار و سیبل مدار است.

در پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه درصدد هستیم تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القا کرده و به او قدرت ارزیابی و ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهیم.

پیشگیری اجتماعی از اقداماتی تشکیل می‌شود که به انواع محیط‌های پیرامون فرد<sup>۱</sup> تأثیر می‌گذارد. کلیه این محیط‌ها در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماع‌پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی هستند. هر یک از محیط‌های خانه، مدرسه، دانشگاه، دوستان و .... در یک مقطع خاص زمانی عمل کرده و فرایند جامعه‌پذیری را تسهیل می‌کنند.

مثلاً مدرسه دارای دوکارکرد آموزشی و تربیتی می‌باشد. کارکرد نخست دانشگاه آموزش فنون و علوم است و حال آنکه کارکرد جنبی آن آموزش نحوه معاشرت با جامعه است. خانواده علاوه بر اینکه موظف به تأمین تغذیه و بهداشت اطفال است، می‌بایست پرورش و تربیت آنها را نیز بر عهده بگیرند. بنابراین هرگاه هر یک از این محیط‌ها رسالت تربیتی، پرورشی و سازگار سازی خویش را به انجام نرسانند، اولین خلل درزمینه جامعه‌پذیری فرد ایجاد شده و در واقع زمینه ارتکاب جرم فراهم می‌شود.

پیشگیری اجتماعی در واقع بر دو نقطه یک خط شبیه است که در یک طرف فرد و خانواده و در طرف دیگر جامعه یا محیط قرار دارد. خانواده نیز خود بخشی از محیط است ولی خانواده بستر تولید و تربیت اولیه فرد است.

### ۳- انواع پیشگیری اجتماعی

این پیشگیری اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار

۲. پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار

منظور از پیشگیری جامعه‌مدار آن است که اگر در محیط عوامل جرم‌زا وجود داشت آنها را خنثی‌سازیم و منظور از پیشگیری رشد‌مدار آن است که اگر طفل به دلیلی از خود مظاهر بزهکاری نشان داد با مداخله زودرس بر روی وی و محیط پیرامون وی جلوی مزمن شدن بزهکاری را در آینده بگیریم. پیشگیری رشد‌مدار به دلیل اهمیت دوران رشد طفل و نقش محیط در پیشگیری از بزهکار از ارزش زیادی برخوردار است.

### ۳-۱- پیشگیری جامعه‌مدار

به عنوان مصادیق پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار به سه مدل اشاره می‌کنیم:

#### ۳-۱-۱- مدل بوم‌شناسی جنایی (مکتب شیکاگو)

تحقیقات مکتب شیکاگو نشان داد که جرایم در یک محله خاص در یک شهر، بیشتر از سایر محله‌ها می‌باشد. علت این افزونی بزهکاری در ساکنان محله نیست، چرا که ساکنان این محله هر چند وقت یکبار تغییر می‌کنند، افرادی که مدت زمانی در این محله زندگی می‌کنند، نرخ بزهکاری آنان تا زمانی که در آن محله هستند بالا است ولی به محض تغییر محل سکونت، نرخ بزهکاری همین افراد پایین می‌آید. به عبارت دیگر در محله‌های دیگر آن جرایم را مرتکب نمی‌شوند.

تحقیقات در این محله نشان داده که این محله در مجاورت مراکز تجاری - اداری شهر قرار دارد و چون این محله در حال رشد و توسعه است و از طرفی هم دریاچه میشیگان ختم می‌شود، لذا برای توسعه منطقه تجاری، مناطق مورد بحث نیز مورد

۱. به نمودار محیط در پیوست جزوه توجه فرمائید.

تجاوز قرار می‌گیرند. از طرفی مالکین محله مورد بحث نسبت به بقای این محله توجهی ندارند و در این محله نوعی زمین بازی رایج شده است. شهرداری هم می‌داند که این محله محکوم به فنا است و از این رو سرمایه‌گذاری زیادی در این محله انجام نمی‌دهد. اداره برق در برق‌ارسالی به این محلات کوتاهی می‌کند، آموزش و پرورش از تأسیسات مدارس جددی خودداری می‌کند و مالکین ساختمانها در مرمت خانه اقدامی نمی‌کنند. این محله با سایر محله‌ها رابطه ارگانیک ندارد مردم حاضر در این محله از فرهنگ حاکم در دیگر محله‌ها فاصله می‌گیرند و فاقد مشارکت عمومی و آشنایی نسبت به یکدیگر هستند. همچنین ساکنین این منطقه از قدمت زیادی برخوردار نیستند و میزان کنترل در این محله‌ها کم است. یک نوع خلاء هنجاری و آنومی در این محله حاکم است و شناخت متقابل در این محله وجود ندارد.

### راه حل پیشگیری وضعی در بوم‌شناسی جنایی

با توجه به اینکه چنین محله‌ای وجود دارد و به لحاظ غفلت مسئولان مشکلات آن قابل حل نیست. باید این محله از بین برده شود. البته تخریب این محله راه‌حل کافی نیست و در واقع پاک کردن صورت مسئله می‌باشد و منجر به جابجایی ساکنین به محله‌های دیگر می‌شود. بنابراین بهتر است که این محلات را اصلاح کنیم. نمونه این مورد را در تهران داشتیم. محله خاک سفید در تهران بسیار جرم‌زا بود و بنابراین نیروی انتظامی با اتخاذ یک راه‌حل انقلابی دست به تخریب این محله زد. اما نتایج این اقدام چنان روشن نیست.

### راه‌حل پیشگیری اجتماعی در بوم‌شناسی جنایی

برقراری رابطه ارگانیک و سازمانی بین این محله با محله‌های مجاور به این محله از طریق:

۱. برقراری وسایط نقلیه عمومی

۲. ایجاد کلاتری

۳. تأسیس مدارس جدید

۴. اقدامات عمرانی از قبیل بهبود فضای شهر، ایجاد پارکها، مرمت ساختمانها و

ترمیم آنها

۵. ایجاد شهرداری

۶. ایجاد اشتغال صنعتی در آن محله

با انجام این اقدامات می‌توانیم این محله را به طبقه شهری و متمدن شهری وصل کنیم، بدین طریق این احساس را که آنها تافته جدا بافته از شهر هستند از بین می‌بریم. این اقدام نوعی پیشگیری اجتماعی است. تخریب این محله نوعی پیشگیری وضعی بود که ایراد آن در جابجایی مرتکبان جرم است. این هزینه تخریب از نظر مادی، اقتصادی، انسانی و .... برای دولت تناسبی ندارد.

### ۳-۱-۲- جلوگیری از شکل‌گیری باندهای مجرمانه

در روزنامه‌ها می‌خوانیم که یک باند مواد مخدر متلاشی شد، این بدان معنی است که در آن محله یا شهر دو نفر یا بیشتر با شیوه کار مشخص و هدفمند که عملشان مجرمانه است برنامه‌ریزی کرده‌اند و هدفمند عمل مجرمانه‌ای را انجام داده‌اند. در پیشگیری اجتماعی می‌خواهیم از درون این شبکه‌ها را متلاشی کنیم. یکی از روشها نفوذ دادن مربیان تربیتی، مددکاران اجتماعی به داخل این تشکلهای و اصلاح تدریجی اعضای باند در درون این تشکلهای است. به عبارت دیگر به جای برخورد پلیس و به عبارت بهتر برای تکمیل اقدامات پلیسی، مربیان سازمان بهزیستی، با نفوذ در یک باند معتاد سعی در استخراج نکات منفی آنها و احیای فرهنگ مثبت در آن پردخته‌اند.

تحقیقی که در مورد کارایی این نوع پیشگیری مطرح شده، این که این اقدامات نتیجه بخش نبوده، بدین معنا که حضور مربی یا مددکار اجتماعی بدون اینکه اعضا

## ۳-۲- پیشگیری رشد مدار

## ۳-۲-۱- مقدمه

پیشگیری وضعی مبتنی بر موقعیت بوده و هدف آن جلوگیری از بزهکاری برای یک مقطع و جرم خاص است. پیشگیری رشد مدار نشان می‌دهد که مداخله به هنگام و به موقع درباره کسانی که به خاطر وضعیت خانوادگی در معرض ارتکاب جرم هستند، می‌تواند جلوی بزهکاری و استمرار تمایلات مجرمانه را در آنها بگیرد. درپیشگیری رشد مدار در دوره‌های مختلف رشد جسمانی و عقلانی یک سلسله اقدامات مناسب صورت می‌گیرد تا در آینده طفل مرتکب جرم نشود. البته این اقدامات بلند مدت بوده و ممکن است حدود ۲۰ سال بعد جواب دهد.

پیشگیری رشد مدار دو خصیصه عمده دارد:

الف) مداخله زودرس نسبت به طفل، خانواده و مدرسه.

به عبارت دیگر در پیشگیری رشد مدار، علاوه بر شخص طفل، محیط اطراف وی نیز مورد توجه عملیات پیشگیری قرار می‌گیرد.

ب) این نوع پیشگیری جنبه تربیتی و فنی دارد. اختلالات رفتاری و روانی طفل هدف قرار می‌گیرد. قدرت شناخت و تمیز طفل تقویت شده و مانع عقب ماندگی شخص می‌شود. این اختلالات رفتاری ممکن است ناشی از قصور والدین در تربیت، قصور اولیاء مدرسه در تعامل با طفل و یا ناشی از تعامل قهرآمیز و منفی بین نوجوانان و گروه دوستان باشد. آنچه در پیشگیری رشد مدار ملاک است، آموزش مهارت‌های اجتماعی به طفل و والدین او است. به عنوان نمونه دختری در نوجوانی عروس شده و صاحب بچه می‌شود. این مادر نوبا ممکن است شیوه‌های تربیت فرزند را فرا نگرفته باشد. در بسیاری از ازدواجها، شاید زوجین به آنچه که به عنوان مسئولیت پدری و مادری در انتظارشان است فکر نمی‌کنند. بلکه به هیجان و احساس

متوجه بشوند، سبب نوعی انسجام و همگونی در آن باند شده و این انسجام به خاطر اقدامات اصلاحی و فرهنگی مددکار اجتماعی است، چرا که به جای آنکه آن را از این محیط مجرمانه دور کند تفاهم آنها را بیشتر کرده و تا زمانی که مددکار اجتماعی در آن گروه بوده، نرخ بزهکاری مجرمان بیشتر از زمانی بوده که وی در آن گروه نبوده است. با رفتن این مددکار باند متلاشی شده و انسجام خود را از دست می‌دهد.

## ۳-۱-۳- تشکیل گروه‌های مباحثاتی

در این روش چندین روانشناس مجرمین را شناسایی کرده و یک تشکل گروهی برای بحث و گفتگو و تفریح بین آنها ایجاد می‌کند.

هدف از تشکیل این گروه‌ها آن است که اعضا توانایی‌ها و استعداد‌های خود را به یکدیگر منتقل کنند و نقل کاستیها و تجربه‌های مجرمانه سبب عبرت‌آموزی و تنبه اخلاقی آنها شود. فاصله‌های اخلاقی با کمک روانشناسان پر می‌شود. ارزیابی این روش از طریق تجربه‌های دریافتی است. وقتی که اعضای گروه‌های مباحثاتی تجربه‌های مجرمانه خود را حکایت می‌کنند با استقبال بیشتری مواجه می‌شوند تا زمانی که تجربه‌های عادی خود را بازگو می‌کنند. به عبارت دیگر وقتی ماجراجویی‌های مجرمانه خود را به سمع دیگران می‌رسانند، دیگران از ایشان قهرمان‌سازی می‌کنند.

اجتماع درمانی به جای اصلاح مجرمین، اسباب انتقال تجربیات در شگردهای مجرمانه می‌شود، لذا این گروه‌ها منجر به تقویت به فرایند بزهکاری می‌شود.

نمونه دیگر از اعمال این روش، از بین بردن خلاءهای احساسی نوجوانان در خانواده‌های مستضعف است. از این رو این دسته از نوجوانان که در معرض ارتکاب جرم هستند و اردو‌هایی برده شده و آنها را جامعه‌پذیر می‌کنند. به نظر می‌رسد که این اردو‌های تفریحی در زدودن آثار نابهنجاری در این گروه مناسب باشد.

عاطفی خود فکر می‌کنند. از این‌رو می‌بایست شیوه‌های تربیت فرزند را به این پدر و مادر آموخت. این مادر نوجوانان در رابطه با فرزند خود مرتکب اشتباهاتی می‌شود و نمی‌تواند از هنگام طفولیت رابطه سالمی با او برقرار کند. این رابطه تبدیل به رابطه‌ای قهرآمیز شده و بدین ترتیب طفل در زمان رشد خود از معیار تربیتی لازم برخوردار نمی‌شود. در چنین مواردی طفل در معرض انحرافات قرار می‌گیرد که با رفتارهایی این بی‌قراری را نشان می‌دهد. با رؤیت این نشانه‌های انحراف، بلافاصله می‌بایست به پیشگیری رشد مدار متوسل بشویم.

در پیشگیری رشد مدار هدف احیای اوضاعی است که در زمان تربیت طفل مفقود بوده است، هدف متمدن کردن، مردم‌آمیز نمودن و جامعه‌پذیر کردن این طفل وحشی و جامعه‌گریز است. این طفل باید بیاموزد که چگونه پرخاشگری را سرکوب کند و تقاضای خود را به طور مناسب و بدون تهدید بیان نماید. از این‌رو در پیشگیری رشد مدار با آموزش الفبای زندگی و احیای مهارت‌های زندگی اجتماعی سروکار داریم. پس از مقدمه در دو بخش بعدی به نشانه‌های بی‌قراری و انحراف و به عبارت دیگر اشخاص مشمول پیشگیری رشد مدار خواهیم پرداخت و در قسمت بعد به وسایل و روش‌های پیشگیری رشد مدار اشاره خواهیم کرد.

### ۳-۲-۲- گسترش و پیشرفت آمادگیهای مجرمانه

شناسایی علام و نشانه‌های انحراف و بزهکاری در اطفال از اصلی‌ترین لازمه‌های پیشگیری رشد مدار است. در پیشگیری رشد مدار منتظر ارتکاب جرم باقی نمی‌مانیم؛ این مظاهر انحراف گونه الزاماً جرم نیستند.

بهترین وسیله برای پی‌بردن به رفتار پرخاشجویانه و نابهنجار رجوع به مادر است. از طریق مادر بخوبی می‌توانیم پی‌ببریم که در دوران طفولیت چه گذشته است، رابطه طفل با برادر و خواهرش چگونه بوده است. اگر نیاز داشته، نیازش را بصورت طبیعی مطرح می‌کرده یا اینکه به تهدید متوسل می‌شده است. مطالعات نشان می‌دهد که

فراوانی پرخاشگری در اطفال در سنین ۲۷ تا ۲۹ ماهگی است. کودک به محض مستقل شدن آثار پرخاشگری را از طریق گاز گرفتن خواهر و مادر، تندی و پرت کردن اسباب و اشیاء نشان می‌دهد. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که از ۲۷ تا ۲۹ ماهگی، ۵۳٪ پسران و ۴۱٪ دختران برادر و خواهر خود را اذیت می‌کنند. در این سن به بعد پرخاشگری سیر نزولی دارد: در ۱۱ سالگی ۱۴٪ پسران و ۸٪ دختران از خود خشونت فیزیکی نشان می‌دهند. از این مطالعات می‌توان نتیجه گرفت که فراوانی رفتارهای تهاجمی حدود ۲ سال است و بعد از آن طفل از طریق تربیت، نحوه کنترل خشونت را فرا می‌گیرد. طبیعی است که در دوران طفولیت خشونت یا تهاجمی بودن طفل خطر عمده‌ای برای خود او یا اطرافیانش ندارد. اما این حالت تهاجمی با بالا رفتن سن و افزایش قوای فیزیکی می‌تواند به جرم و حالت خطرناک منجر شود. در حقیقت، تربیت آموزش دهنده عدم خشونت است. خشونت فرا گرفتنی نیست، بلکه در صورت عدم توجه به علایم رفتار تهاجمی، پرخاشگری در فرد به وجود می‌آید. از سوی دیگر عدم خشونت، یعنی وجود روابط مسالمت‌آمیز از طریق تربیت و تعامل با دیگران آموخته می‌شود. همه افراد به طور طبیعی بهره‌ای از زور و پرخاشگری دارند. استفاده صحیح و کانالیزه از این قدرت، فرد را به یک قهرمان مبدل می‌سازد و سوء استفاده از این زور، خشونت نام می‌گیرد و گاهاً لباس جرم به تن می‌کند. دفاع مشروع نوعی خشونت مشروع است، همچنین دفاع مشروع با از دست دادن یکی از مولفات خود، تبدیل به دفاع شخصی می‌شود که نامشروع و جرم تلقی می‌گردد.

بیان شد که خشونت در اطفال در سنین ۲ سالگی به اوج خود می‌رسد. در عده‌ای این خشونت دوباره عود می‌کند. در آمریکا در یک تحقیق بعمل آمده از نوجوانان و جوانان ۱۲ تا ۲۱ سال، مشخص شده است که ۵۹٪ ایشان بنا به اظهارات خودشان در ۱۲ سالگی و قبل از آن مرتکب خشونت و کتک‌کاری شده‌اند. این میزان بعد از ۱۳ سالگی کاهش داشته و در ۲۱ سالگی و ۳۱٪ تقلیل می‌یابد. از این‌رو می‌توان برداشت

نمود که اگر طفل عدم خشونت را فرانگیرد در سنین بالا خشونت عود می‌کند و تبدیل به جرایم شدید و خطرناک می‌شود. اشکال پرخاشگری در سنین مختلف متفاوت است: در ۲ سالگی به صورت گاز گرفتن، در ۱۲ سالگی دعوا و زدوخورد در ۱۸ سالگی نیز می‌تواند به صورت قتل جلوه پیدا کند، در اکثر موارد پس از اوج پرخاشگری در ۲ سالگی این حالت در پرتو تربیت کنترل می‌شود. بنابراین افزایش رشد خشونت در نوجوانی، حاصل تلفیق دو عامل است، از یک سو سست شدن انواع کنترل‌های اجتماعی انحراف و جرم مطرح است و از سوی دیگر پیدا کردن فرصتهای تعرض و بزهکاری تأثیر دارد. به عنوان نمونه اگر نوجوانی با خود اسلحه حمل کند، کوچکترین اصطکاک در حایط مدرسه می‌تواند منجر به خشونت و حتی قتل شود. تلفیق دو عامل فقدان کنترل اجتماعی و یافتن فرصت در اینجا سبب حادثه به شمار می‌رود.

بیان شد که پرخاشگری یا حالت تهاجمی در واقع به طور مرحله‌ای در فرد عقب‌نشینی می‌کند. در کانادا در یک تحقیق انجام شده در سال ۱۹۹۹ در بین ۱۰۳۷ پسر در سنین ۶، الی ۱۰ و ۱۵ سالگی مشخص شده که ۵٪ درصد از این اطفال در سنین ۶ سالگی بیش از سایرین از خود خشونت به خرج می‌دهند و این حالت را تا ۱۵ سالگی حفظ می‌کنند. با تحقیق مشخص می‌شود که در دوران قبل از این عده چگونگی مهار ظرفیت خشونت را فرا نگرفته‌اند یا بنابراین در ۱۵ سالگی مرتکب اعمالی می‌شوند که جرم است و بدلیل وجود مسئولیت نقصان یافته برای ایشان مورد تعقیب و مجازات نیز قرار می‌گیرند. این بزهکاری در سن ۱۷ سالگی به صورت بزهکاری مستقر و مزمن نمود پیدا می‌کند. در تحقیق مشخص شد که این عده در دوران مدرسه روابط قهرآمیز و غیر عادی با دیگران داشته‌اند. کارنامه ایشان منفی بوده و غیبت تحصیلی داشته‌اند. لذا، با گذشت زمان این فقدان تربیت سبب شده است که

پرخاشگری تنها وسیله ارتباط ایشان با دنیای پیرامون باشد. این قبیل افراد از دو امر رنج می‌برند:

- بی‌کفایتی والدین

- آسیب‌پذیری اجتماعی و تحصیلی

طبیعتاً چنین اطفالی در دوران طفولیت، در خانه و مدرسه با بحران‌سازی مسائل خود را حل کرده‌اند. والدین تحت تهدید و ارعاب فرزند، نیاز وی را برآورده می‌کنند، رابطه میان فرزند و والدین مثبت نموده و تبادل قهرآمیز میان ایشان صورت گرفته است. تبادل قهرآمیز یعنی فقر تجهیزات شناختی، تربیتی، قوه تمیز، قوه شناخت و عدم درک نتایج عمل. این تعامل قهرآمیز بین فرزند و مدرسه سبب می‌شود که در بزرگسالی فاقد تصور و انتزاع باشد. این عده مادام که مجازات را لمس نکرده باشند، نمی‌توانند میان عمل مجرمانه و حبس رابطه برقرار کنند. بعبارت ساده‌تر جرم زندان را برای ایشان تداعی نمی‌کند، لذا در ارتکاب جرم دست به محاسبه نمی‌زنند. این قبیل بزهکاران تجهیزات شناختی<sup>۱</sup> و انتزاعی پایینی دارند.

قدرت انتزاع در جلوگیری از تکرار جرم نیز بکار می‌آید. یک نوجوان ممکن است مرتکب جرم شود، اما علی‌الاصول با نتیجه دیگر نباید گرد جرم بگردد. اما مجرمین مزمن متنبه نمی‌شوند و تمام اینها فراموششان می‌شود، چرا که قدرت انتزاع ندارند. بزهکاران مکرر ضریب هوشی پائینی دارند، به عنوان نمونه اغلب مشاهده می‌شود که کودکان خردسال مدام اصرار می‌کنند که والدین فلان شکلات یا اسباب بازی را برایشان بخرند، بزهکار مزمن حتی در بزرگسالی نیز همین‌قدر لحظه نگر است.



از این رو اگر اطفالی که زودتر از سنین متعارف، نخستین نشانه‌های انحراف یا بزهکاری را از خود نشان می‌دهند، تنها تنبیه شده و پرونده شخصیت برای آنها تشکیل نگردد و خلاً عاطفی، تحصیلی و دوستی آنها پر نشود. بی‌تردید در بزرگسالی به بزهکاران مزمن تبدیل می‌شوند که شدیدترین مجازات نیز برای ایشان کار ساز نخواهد بود.

با توجه به مطالب گذشته می‌توان دو خصیصه عمده برای اطفال پرخاشگر بر شمرد:

الف) مشکل اول آنها در این است که خشونت زبانی و کلامی تنها وسیله ارتباط آنها با محیط است.

ب) عدم توانایی ایشان در برقراری رابطه مسالمت آمیز با دیگران. مشخصه اصلی در رابطه این اطفال با دیگران زور و رابطه زور مدارانه است. علت این امر آنست که نوجوان یا طفل مزایای همکاری و مثبت بودن را نیاموخته، همواره توسل به عمل ضد اجتماعی در آنها نهادینه شده است همچنین در مدرسه نیز فرصت یادگیری رفتار درست را نداشته‌اند.

اطفال پرخاشگر به لحاظ بالینی چهار خصوصیت دارند:

۱. عدم توانایی کنترل و مهار خود

۲. علاقه به خطر و خطرپذیری، این خطرپذیری آنها در معرض تنبیه قرار می‌دهد.

۳. کمبود قدرت شناختی در ایشان سبب می‌شود که نتوانند پیامد رفتار خود را محاسبه و تجسم کنند.

۴. عادت به رفتارهای مجرمانه و ضد اجتماعی در طول حیات به خاطر فقدان معیارهای تنبیه کننده و تشویق کننده بوده است.

۵. این اطفال خود بین یا خود محور بین بوده‌اند. و برای دیگران در معاملات خود نقشی در نظر نمی‌گرفته‌اند.

۶. این قبیل افراد با عوامل خطر روبرو هستند. توضیح آنکه انسان در دوران طفولیت از عوامل حمایتی<sup>۱</sup> برخوردار است. این عوامل حمایتی عبارتند از کانون حمایت خانواده، عشق والدین آموزش مدرسه، کودکستان، آمادگی، رابطه تعاملی سازنده با مربیان، آموزگاران، دوستان و خانواده. اگر این عوامل حمایتی کارکرد خود را درست انجام ندهند، تبدیل به عوامل خطر<sup>۲</sup> می‌شوند. در حقیقت این عوامل دوروی یک سکه هستند.

### ۳-۲-۱- عوامل خطر

با توجه به توضیحات فوق، عوامل خطر مؤثر در به عادت شدن بزهکاری را می‌توان در چهار سطح بررسی کرد: در سطح خانواده، در سطح رفتارها، در سطح رشد قدرت شناختی و در سطح دوستان.

#### الف) در سطح خانواده

عوامل در سطح خانواده عبارتند از:

۱. روابط ناموزون و قهرآمیز بین اطفال و والدین

۲. اقدامات تنبیهی و تشویقی، بی‌ضابطه و بی‌قاعده است، گاه شدید و گاه با

اغماض صورت می‌گیرد.

۳. بی‌اعتنایی نسبت به رفتار کودک صورت می‌گیرد و بنابراین حتی بعد از

گذشت چند سال والدین هنوز آنچنان که باید و شاید فرزندان خود را نمی‌شناسند.

این عدم شناخت منجر به عجز از اقدام مناسب در مورد طفل می‌شود.

1. Protection factors

2- Risk Factors.



با والدین. این متغیرها شخصیت جنایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شخصیت جنایی یک هسته و چهار مؤلفه دارد. برای استقرار این شخصیت، چهار مولفه باید در آن جمع باشد. جمع این چهار رکن در فرد می‌تواند انسانی را تبدیل به بزهکار مکرر کند:

(۱) خودبینی و خود محوربینی. بدین منظور که شخص به ارزشهای دیگران وقعی نمی‌نهد، نسبت به دیگران وقعی نمی‌نهد، نسبت به دیگران احساس مسئولیت نمی‌کند.

(۲) گهگیری و تنوع مزاج و فقدان قدرت پیش‌بینی.

(۳) پرخاشگری و تهاجمی بودن، رفتن تا انتهای کار.

(۴) بی‌اعتنایی عاطفی که سبب می‌شود فرد متأثر نگردد.

بزهکار واقعی کسی است که این چهار رکن را داشته باشد

رسالت و کارکرد این مولفه‌ها عبارتند از:

(۱) مؤلفه خودبینی به بزهکار اجازه می‌دهد که برای عمل خود مشروعیت ذهنی و دلیل تراشی ایجاد کند. این امر وی را از عذاب وجدان نجات می‌دهد.

(۲) دمدمی مزاج بودن سبب می‌شود که وی عواقب کار خود را محاسبه نکند و بر

ترس ناشی از مجازات فائق بیاید.

(۳) مولفه پرخاشگری به مجرم اجازه می‌دهد که موانع مادی و فیزیکی را از میان برداشته، مقاومت مجنی علیه را از بین ببرد و وی را در آستانه ارتکاب جرم قرار دهد.

(۴) فقدان تأثیرگذاری مانع از آن می‌شود که ناله‌ها و درخواست‌های مجنی علیه در عزم راسخ بزهکار تأثیر بگذارد.

شخصیت روانی حاکی از این ساختار روانی است که از آن می‌توان حالت خطرناک را برداشت نمود. حالت خطرناک که در جرم‌شناسی بالینی مطرح می‌شود، چهار رکن دارد:

(۱) اشخاص غیربزهکار: اشخاصی هستند که به لحاظ تربیت متناسب و قدرت شناخت و داشتن توانایی تفکیک قبیح از حسن مرتکب جرم نمی‌شوند و یا لااقل در آمار جنایی و محکومیت کیفری صحبتی از ایشان به میان نمی‌آید. البته کسانی هم هستند که مرتکب بزهکاری شده ولی شناسایی و دستگیر نمی‌شوند، این عده رقم سیاه بزهکاری را تشکیل می‌دهند. به هر حال، فرض بر آن است که اشخاص غیربزهکار سوء پیشینه کیفری ندارند.

(۲) بزهکار موقت: این عده به دنبال شهوت و احساس مرتکب جرم می‌شوند.

(۳) بزهکار غیرواقعی - کاذب: بزهکاری است که رفتار خود را نه با معیارهای جامعه در سطح کلان، بلکه با معیارهای یک تشکل سیاسی منطبق می‌کند و چه بسا این معیارها با معیارهای جامعه در کل مغایرت داشته باشد. در اینجا فرد مجرم تلقی می‌شود، ولی ممکن است وی واقعاً مجرم نباشد.

(۴) بزهکار واقعی: بزهکاری که با آگاهی و رضایت از هنجارهای جامعه فاصله گرفته است، از جامعه بریده و عزلت مجرمانه و انزوای جنایی را انتخاب کرده است. این شخص امنیت خود را در جامعه ستیزی می‌بیند.

### ب) ارکان و ویژگیهای شخصیت جنایی

می‌توان گفت که مظهر شخصیت جنایی کسی است که قبیح عمل را درک نمی‌کند و از هیچ مجازاتی نمی‌ترسد، از موانع موجود ابایی ندارد، خود را به آب و آتش می‌زند، عاطفه ندارد و از مخدوش کردن دیگران ابایی ندارد. شرایط عمومی اخلاقی، کیفری، مادی و احساسی برای ارتکاب جرم لازم هستند. این شرایط متغیرهای شخصیت جنایی نیز هستند. این متغیرها در کیفیت و نحوه ارتکاب جرم نقش دارند. این متغیرها به عنوان نمونه عبارتند از: ناپختگی فرد، عقب ماندگی تحصیلی، شکست تحصیلی، فرار از مدرسه، عدم استمرار شناخت، عدم داشتن حرفه و روابط قهرآمیز

گرفت. اکنون که موارد گسترش و پیشرفت آمادگی‌های مجرمانه در اطفال و نوجوانان را بررسی کردیم، به اهداف و وسایل پیشگیری رشد مدار اشاره خواهیم کرد.

### ۳-۲-۳- اهداف و وسایل پیشگیری رشد مدار

#### مقدمه

در سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی در مونترال، پایتخت ایالت کبک کانادا تحقیقی تجربی و در ضمن طولی<sup>۱</sup> (پیگیر در زمان)<sup>۲</sup> صورت گرفت. هدف از این تحقیق این بود که اطفال مشکل‌دار، اطفال دارای علائم جامعه ستیزی روان نژندی، والدین آنها که تصور می‌شد خود مشکل دارند و در نهایت مربیان و دوستان آنها که در آن ویژگی اطفال سهم منفی دارند شناسایی و مورد اصلاح قرار گیرند. هدف از این پروژه مداخله زودرس<sup>۳</sup> و درمان بوده است. همچنان که بیان شد این اقدام از این جهت زودرس است که درصدد آموزش عدم خشونت از همان ابتدا به طفل است. چرا که ادامه پرخاشگری پس از سنین طفولیت و در دوران نوجوانی مقدمه بزهکاری محسوب می‌شود. در این پروژه بالا بردن قابلیت اجتماعی اطفال و افزایش قدرت شناخت اطفال مدنظر بوده است، و از سوی دیگر برنامه‌هایی برای اصلاح صلاحیت‌های پرورشی - تربیتی والدین در نظر گرفته شده بوده است، چرا که تا یک سن خاص والدین متولی تربیت اطفال هستند و بدیهی است که این تربیت خود نوعی مصون-سازی است. والدین و فرزند کنش متقابلی بر یکدیگر دارند، در بدترین حالت، روابط میان مادر و فرزند، ممکن است حالت تخریبی به خود بگیرد. چنانچه مادر دارای

۱. ترس ناپذیری

۲. خسارت رساندن

۳. کمال پذیری

۴. قابلیت انطباق

دو رکن نخست حالت خطرناک (فقدان ترس و قابلیت وارد کردن خسارت) ظرفیت یا قابلیت مجرمانه شخص را بالا می‌برد و دو رکن بعد (کمال‌پذیری و قابلیت انطباق) معیار سازش‌پذیری و جامعه‌پذیری را نشان می‌دهد.

این چهار رکن در شخصیت جنایی نیز منعکس است. اخافه ناپذیری و عدم ترس از عواقب عمل مستلزم تنوع مزاج و خودبینی است. زیان رسانی بر دیگران نتیجه دو عنصر پرخاشگری و تأثر نپذیری در شخصیت جنایی است. هسته شخصیت جنایی در چهار رکن تشکیل می‌شود، اما در عین حال در کنار آن متغیرهای عمومی و مشترک وجود دارند که عبارتند از استعداد بدنی، قوای عقلانی، بیماریهای مزمن، عقب ماندگی تحصیلی، فقدان آموزش حرفه‌ای، ناپختگی و نابالیدگی روانی. این امور سبب می‌شود که بزهکار واقعی در کیفیت ارتکاب جرم نسبت به همه متفاوت باشد.

بزهکاری که بیمار است و قدرت جسمانی ندارند، متوسل به جرایم مالی و تقلب‌آمیز می‌شود. برعکس اگر قدرت جسمانی بالا داشته باشد و قدرت عقلانی وی کم باشد دست به زورگیری و جرایم مشابه می‌زند.

واضع مفهوم شخصیت جنایی ژان پیناتل فرانسوی است. ویژگیهای بیان شده برای شخصیت جنایی نشانگر آن است که شخص در دوران نوجوانی از پرورش لازم برخوردار نبوده و این فقدان تربیت متعادل را باید در چهار سطح (خانواده - رفتار - شناخت - دوستان) بررسی کرد و می‌توان گفت که بین طفولیت و بزهکاری مزمن رابطه وجود دارد که می‌توان با شناسایی مظاهر شخصیت جنایی در کودک جلوی آنرا

1. Longitudinal

2. Follow up studies

3. Early intervention

در طول اجرای برنامه در مدرسه و در این جلسات کارگاهی، دانش‌آموزی، چگونگی معاشرت با دیگران، شیوه خوب زندگی کردن، نحوه ایفای نقش در جامعه در چگونگی مدیریت امیال پرخاشگرانه به ایشان آموخته می‌شد.

در این تجربه، گروه تحت درمان مرکب از ۴۶ نفر و گروه کنترل از ۱۲۶ نفر تشکیل یافته بود. گروه درمان و گروه کنترل از نظر خصوصیات سنی و خانوادگی شبیه به یکدیگر انتخاب شده بودند، نتایج این تجربه بدین شرح بود: در سن ۱۲ و ۱۳ سالگی، تنها ۷٪ از دانش‌آموزان گروه تجربه اقرار به سرقت کرده‌اند، حال آنکه این میزان در گروه کنترل ۲۰٪ بوده است، این تفاوت تا ۱۶ سالگی ادامه می‌یابد و بعد از آنکه از آموزگاران پیرامون رفتار این دو عده سؤال و تحقیق می‌شود، مشخص می‌گردد که گروه تجربی ۲/۲٪ و گروه شاهد ۲/۸٪ مرتکب زد و خورد شده‌اند. در سنجش مشخص گردید که سازگاری و انطباق‌پذیری گروه تجربی تقویت شده و این عده بیشتر رفتار پرخاشجویانه خود را کنترل می‌کنند. علائم ناشی از همکاری با اولیای مدرسه و دوستان بیشتر شده و از همه مهمتر این گروه تمایل کمتری به رفت و آمد با گروههای منحرف داشته‌اند.

این پروژه به دنبال شناسایی مشکلات اطفال و حلقه مفقوده جامعه‌پذیری این عده بود. این پروژه به چهار سؤال پاسخ داده است:

الف) برای تقویت صلاحیت والدین در قبال تربیت فرزندان چگونه بایست عمل کنیم.

ب) توانایی و استعداد نوجوانان مشکل‌دار و متمایل به انحراف چگونه می‌بایست گسترش یابد و چگونه می‌توان از استقرار بزهکاری در نهاد ایشان پیشگیری نمود؟

ج) چگونگی تحریک قدرت شناخت، تمیز و شعور آنها.

ه) برای تقویت قدرت شناختی و جامعه‌پذیری بهتر نیست که مداخله جنبه ترکیبی داشته و همزمان شامل والدین و فرزندان باشد؟

مهارتهای مادرانه نباشد، نمی‌تواند در تربیت خود، خوب و بد را به طفل بفهماند؛ آگاهانه یا ناآگاهانه سهل‌انگاری می‌کند و طفل روابط میان خود با دیگران را بر اساس رابطه خود با مادر که تخریبی است بنا می‌کند. در رابطه با دیگران، این رابطه پیشینی را باز تولید می‌کند و رفتار پرخاشگرانه و بعضاً مجرمانه از خود بروز می‌دهد.

بنابراین رفتار درمانی در این پروژه شامل والدین از یک سو و اطفال از سوی دیگر بوده است، هدف شناسایی اطفال از یک سو و انجام مطالعات روان‌شناسی برای پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری از سوی دیگر بوده است.

برای شناسایی این اطفال از دو طریق خانه و مدرسه استفاده می‌شده است. ابتدا از طریق آموزگاران، دانش‌آموزان دارای مشکل غیبت تحصیلی، شکست تحصیلی و فرار از مدرسه را شناسایی می‌کنند و در مرحله بعد برای فهمیدن این که آنها بخاطر محیط دوستان یا محیط خانواده دچار مشکل شده‌اند، مراجعه می‌کرده‌اند.

پس از این مراجعه برای والدین نیز برنامه‌های کارآموزی برگزار می‌شده است. در این جلسات که ۱۷ جلسه ادامه داشت، به مادران موارد ذیل را آموزش می‌داده‌اند:

۱) چگونه دستورات خود را به کرسی بنشانند و چگونه کاری کنند که اطفال از خود مقاومت نشان ندهند.

۲) رفتار طفل را از نزدیک دنبال کنند و رفتارهای مثبت، منفی، سازنده و تخریبی طفل را از یکدیگر تفکیک کرده و اگر رفتار مثبت بود، آن را تقویت و تشویق کنند.

۳) به مادران آموزش داده می‌شد که اگر رفتار منفی بود در حد معقول وی را تنبیه کنند و قبح عمل را به او نشان بدهند.

برنامه‌های درمانی در مدرسه نیز اجرا می‌شد تا موجب شکل‌گیری هماهنگ شخصیت اطفال شود. در مدرسه این افراد را در گروههای ۴ تا ۶ نفری جمع می‌کردند، بطوریکه در هر گروه چند نفر از کودکان خوب را قرار می‌دادند تا این بچه‌ها الگوی سالم و خوب داشته باشند و فن رفتار در جامعه را از همتایان خود بیاموزند.

**الف) گسترش و توسعه مهارت‌ها و صلاحیت‌های تربیتی والدین**

چه کنیم که والدین قدرت تربیتی بالا داشته باشند؟ در این پروژه ثابت شده است که تشویق و تنبیه دمدمی، تأثیر بسیار منفی دارد، چون کودک خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد. اگر تنبیه و تشویق ضابطه‌مند نباشد، قدرت انتزاعی در طفل بوجود نمی‌آید. در این برنامه به دنبال تقویت قدرت انتزاعی و تجسم اطفال و نوجوانان بوده‌اند. در صورت وجود قدرت انتزاع، نیازی به رؤیت مجازات نخواهد بود، صرف تهدید به تنبیه، سبب می‌شود که آن در ذهن کودک نقش ببندد و خودبخود از انجام عمل صرف نظر کند.

در این پروژه مشخص شد که تربیت طفل در نزد والدین اطفال مشکل‌دار تابع هیچ اصل و ضابطه‌ای نیست، «آنها نسبت به اینکه از او امر آنها تبعیت می‌شود یا خیر هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند.» رابطه با فرزندان تخریبی است و والدین این عده در جهت معکوس کردن روابط تلاش نمی‌کنند. روابط بین اطفال و والدین همراه با همکاری نیست». از این رو در این پروژه نحوه برقراری رابطه و استمرار آن با فرزندان و نحوه القای معروف و منکر به این دسته از والدین آموزش داده می‌شود.

بدین منظور مددکاران به عنوان مشاور به خانه آنها می‌رفتند، یا والدین را در یک گروه جمع می‌کردند. در این گروه‌ها والدین یکدیگر را ملاقات نموده و مشکلات خود را بیان می‌کرده‌اند. خود ایشان نیز به یکدیگر ایده داده کار یکدیگر را اصلاح می‌نموده‌اند. یک تحقیق صورت گرفته در چهارچوب پروژه مونترال، در میان مادران ۱۸، ۱۹ ساله نشان می‌شد که چون این عده در عین نوجوانی از ازدواج کرده‌اند، بچه اغلب ناخواسته بوده و ایشان آماده ایفای وظایف مادری نبوده‌اند. در پروژه سیراکوز، مددکار، هفته‌ای یکبار به پیش آنها رفته و با گوش کردن به مشکلات آنها، چگونگی برخورد و بازی با کودک را به آنها آموزش می‌داده است. اطفال ایشان در مراکز کودکانی فرانسه به مدت ۵ روز در هفته نگهداری می‌شده‌اند، در این دروان سعی

می‌شود که به کودکان قدرت شناختی و تمیز آموخته شود. طفل باید یاد بگیرد که چگونه عمل کند، مادر می‌بایست تعلیم بگیرد که چگونه از طریق تشویق و تنبیه بجا جلوی استقرار جامعه ستیزی را بگیرد. حتی گاهاً فیلم‌های آموزشی برای این دسته از مادران تهیه می‌شده است که به آنها یاد داده شود که در حالت‌های مختلف چگونه با طفل برخورد نمایند: از یک سو چگونه طفل را کنترل و تنبیه کنند و از سوی دیگر چگونگی سازش، معامله و کوتاه آمدن با کودک را فرا بگیرند. در طی دوره‌های درمانی والدین یاد می‌گیرند که چگونه فرزندان خود را تا ۷-۸ سالگی دنبال کرده و با توجه به رفتار ایشان متوجه مشکلات آنها بشوند. به والدین القا می‌شود که برای تربیت و پرورش صحیح اطفال، ضمانت اجرای مناسب در نظر بگیرند، چگونه در ساعات فراغت با کودک خود بازیهای اجتماعی - گروهی و انفرادی بکنند تا طفل هم بتواند در اجتماع ظاهر بشود و هم بتواند رابطه انفرادی با خود و موضوع بازی برقرار کند. والدین می‌بایست نحوه مدیریت بحران را در صورتی که علی‌رغم تمامی این موارد بحران در روابط بوجود آید را فرا بگیرند.

این پروژه درمانی بر روی یک گروه ۸-۱۲ نفری از والدین به مدت ۱۳ هفته و هر هفته دو ساعت صورت می‌گرفته است. آموزش حضوری بوده و از طریق نوارهای کاست بعدی از هر جلسه از طریق مربی یا نوار کاست اعضا دعوت می‌شدند که راجع به فیلم یا آموزش تبادل نظر کرده و دیدگاههای خود را نسبت به آن فیلم برای هم بگویند.

**ب) گسترش صلاحیتها و مهارتهای اجتماعی**

چه بکنیم که طفل در رابطه با اجتماع رابطه مثبت داشته باشد؟ چگونه با دیگری رفیق بشود و سر بحث را با او باز بکند؟ توسعه و گسترش مهارتهای اجتماعی یعنی همزیستی و همکاری با دیگران و کنترل رفتار با دیگران، هدف در پروژه مونترال این بوده که بچه‌ها خود را کنترل کرده، هیجانانگیز و احساسات خود را شناسایی نموده و

اختلافات را حل و فصل کنند. با یکدیگر روابط سازنده داشته باشند و مدبرانه تصمیم‌گیری نمایند. برای انجام این مهم از یک سو والدین برای فراگیری روش‌های القای مهارت‌ها و توانایی اجتماعی دوره دیدند و از سوی اطفال در قالب تشکیل جلسات، نقش‌های اجتماعی ا به تدریج فرا گرفتند. هدف آن بود که اطفال بتوانند به عوامل محیطی پاسخ مناسب بدهند و این پاسخ از طریق تشخیص صورت بگیرد تا منجر به جرم نشود. در این جا تقویت قدرت شناخت نیز مدنظر بوده است. این برنامه درمانی متنوع بوده و شامل پخش فیلم، تئاتر، مشارکت اطفال مشکل‌دار و بی-مشکل در برنامه‌های آموزشی و .. می‌شده است.

در خصوص یادگیری مهارت‌ها این اهداف تعقیب می‌شده است:

۱. رفتار تنبیهی و ضمانت اجراها بتواند رفتارهای ضد اجتماعی را برای افراد مشخص کند.
  ۲. معاشرت با اطفال دیگر به آنها اجازه الگوبرداری بدهد.
  ۳. درمان ترس و اضطراب آنها.
  ۴. فرد قدرت گفتگو را یاد بگیرد.
- بدین منظور کارگاه‌هایی تشکیل شد (۴ تا ۷ نفر). دو مددکار اجتماعی رهبری این گروه‌ها را برعهده می‌گرفتند و مفاهیم مورد نظر را در قالب نمایشنامه القا می‌کردند. با شرکت دادن خود اطفال نقش‌های اجتماعی را به آنها آموزش می‌دادند. در این کارگاه‌ها اطفال موارد ذیل را می‌آموختند:

گوش کنند.

بحث را شروع کنند.

بحث کنند.

کمک بگیرند.

راهنمایی بکنند.

عذرخواهی بکنند.

از احساسات یکدیگر آگاه شوند.

احساسات خود را بیان کنند.

پیام دیگران را درک کنند.

با ترس و اضطراب مقابله کنند.

به دیگران کمک کنند.

خوبی را با هموعان خود تقسیم کنند.

خشم خود را کنترل کنند.

ضمن دفاع با دیگران مصالحه کنند.

از ورود به بحث‌های اختلافی خودداری کنند.

در خارج از خانه خود را کنترل کنند.

### ج) گسترش قدرت شناختی

ضعف‌های شناختی طفل و پایین بودن قدرت شناختی ناشی از شکست تحصیلی، غیبت تحصیلی و فرار از مدرسه است. این عدم شکوفایی سبب می‌شود که قدرت شناخت از آنها سلب شود و قدرت انتزاع در آنها بوجود نیاید. در مرحله رشد باقی بمانند و این گونه دچار نوعی تأخیر شوند. و در مراحل بعدی رفتار غیر مسئولانه و تکانشی از خود نشان بدهند که احتمالاً عنوان مجرمانه خواهد داشت. هرگاه این قدرت در اطفال تقویت شود، خود نوعی مقابله با بزهکاری خواهد بود. می‌بایست کمبودهای پرورشی طفل (بخاطر فرار از مدرسه، غیبت و دوستان ناباب) بر طرف شود و طفل در مدرسه و خانه تحت درمان قرار بگیرد. این دوره درمانی ۲/۵ ساعت

در هفته، مدت ۲۰ هفته بوده است. خلأ شناختی در افراد از طریق تمرینهای زنده، توزیع نقشها در قالب بازیهای گروهی ارزیابی و نتایج رفتار افراد در قالب نقشهای آینده برداشت شود.<sup>۱</sup>

#### د) ترکیب عملیات اصلاحی و درمانی

آیا برنامه درمانی می‌بایست بصورت همزمان درخانه و مدرسه دنبال شود؟ بدین منظور پروژه پری طرح‌ریزی شد. هدف از این پروژه این بوده که تاثیر عملیات اصلاحی ترکیبی به صورت همزمان بر کنترل رفتارهای مجرمانه بررسی شود. بدین منظور سه برنامه، در سه مرحله در نظر گرفته شد.

۱) **برنامه اول:** تربیت طفل و بچه برای شکوفایی قابلیت او برای حل مسائل شخصی که با آن روبرو می‌شود. هدف آن است که طفل الگوگیری کرده و یادگیری از طریق نقشهایی که در نوجوانی و بزرگسالی در انتظار او است تقویت شود. این دوره به مدت ۲۲ هفته و هر هفته ۲/۵ ساعت ادامهداشته است. ۲۶ نفر در این پروژه شرکت داشته‌اند، والدین این عده نیز در برنامه حضور داشته و نکاتی را در کنار هم یاد می‌گیرند.

۲) **برنامه دوم:** در این برنامه مدیریت اطفال به والدین آموزش داده می‌شود. مددکار در خانه به مادر تجهیزات لازم را می‌دهد است و چگونگی تشویق و تنبیه طفل آموزش داده می‌شود. همزمان اطفال این والدین، آموزگاران و مددکاران از طریق هر دو رشد اطفال را کنترل می‌کنند.

۳) **برنامه سوم:** در برنامه سوم، هر دو برنامه فوق با یکدیگر ترکیب می‌شود. طفل از آموزشهای فوق بهره می‌برد. یکی از والدین نیز مدیریت والدینی را فرا می‌گیرد. در مقایسه با گروه‌های شاهد، برنامه‌های ترکیبی - کودک و والدین - تأثیرات مضاعفی دارد.

#### ۳-۲-۴- ارزیابی پیشگیری رشد مدار

انتقادات چندی بر پیشگیری رشد مدار وارد شده است:

الف) ناگفته پیدا است که اقدام‌ها و برنامه‌های پیشگیری زودرس از رفتارهای جنایی، برای این که اثر محسوسی بر کاهش آمار بزهکاری یک جامعه معین داشته باشد، باید قابل تسری و اعمال، در سطح وسیعی، نسبت به کلیه اطفال، نوجوانان، والدین، مربیان، و محله‌هایی باشد که گرفتار عوامل خطر و یا مواجه با کمرنگ شدن عوامل حمایتی هستند. در این صورت شناسایی این قبیل اطفال، خانواده‌ها و محله‌ها و تهیه برنامه‌های مناسب آنها و آزمایش کردن این برنامه در سطح کوچک، قبل از تعمیم آن بر کلیه موارد، نیاز به زمان طولانی دارد. ضمن این که در بعضی روش‌های طولی پیشگیرانه، اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی باید طی مدتهای زیادی و در دوره‌های رشد افراد ذی نفع نسبت به آنها اعمال شود.

ب) برای اجرای این برنامه‌ها باید دست به تربیت مربیان، جرم‌شناسان، روان‌شناسان، متخصصان علوم تربیتی (یعنی پرسنل تربیتی آموزش دیده) زد: که این امر نیز به نوبه خود نیاز به زمان و در عین حال بودجه زیاد دارد. بدین ترتیب،

1- در مرحله قبل اجتماع‌پذیری و مردم‌آمیزی یاد داده می‌شود ولی در این قسمت، قدرت انتزاع و تجسم تقویت می‌شود، تا برای درک مجازات منتظر عمل آن نباشد.



عملیاتی - اجرایی کردن این نوع پیشگیری در سطح کلان - مثلاً در سطح یک استان یا در سطح یک کشور، نیاز به زمان، امکانات مادی و نیروی آموزش دیده زیاد دارد.<sup>۱</sup> ج) بنا به اصل شخصی بودن مجازات، آیا می‌توانیم به خاطر انحراف طفل یا نوجوان والدین را محکوم به دوره دیدن کنیم؟ این امر از لحاظ مبانی حقوق بشر عاری از اشکال نیست. اگر این برنامه‌ها با جلب رضایت این عده و در قالب عدالت اجتماعی باشد، اشکالی وجود ندارد. پیشگیری زودرس مستلزم مداخله زودرس در خلوت فرد است. تحقیق نشان می‌دهد که کودک علائم جامعه ستیزی دارد، اما در مرحله بعد مددکار وارد زندگی خصوصی آنها می‌شود. آیا این امر مشروعیت دارد که به خاطر ارتکاب جرم به خلوت آنها داخل شویم؟ آیا نباید به لحاظ حقوق بشر جرم را فقط مجازات کرد و تاوان آن را از فرد گرفت.

البته اگر این اقدامات را اقدام تأمینی بدانم، تا حدی قابل قبول است، چرا که اقدام تأمینی فاقد سابقه کیفری است، و قبل از وقوع جرم هم امکان‌پذیر است. گرچه در حقوق ما بنا به ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی، اقدام تأمینی خاص مجرمین است، اما اقدام تأمینی بنابر ماهیت آن در مورد اطفال نیز قابل اعمال است.

در منابع زیر، به طور مستقیم یا به صورت جنبی، بحثی به "پیشگیری از بزهکاری" اختصاص داده شده است.

## منابع

### کتابها

- آنسل، مارک: دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، پاییز ۱۳۷۵.
- بکاریا، سزار: رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ ۱۳۷۴.
- بولک، برنار: کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ناشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، مهر ۱۳۷۷.
- پرادل، ژان: تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین ابرندآبادی، نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- پیکا، ژرژ: جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ ۱۳۷۰.
- دلماس مارتی، می‌ری: نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.
- صدارت، علی: حقوق جزا و جرم‌شناسی، انتشارات معرفت، ۱۳۴۰.
- قاسی، ناصر: اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق ایران، نشر میزان، تابستان ۱۳۷۴.
- گسن، ریموند: جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی‌کی‌نیا، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰.
- گسن، ریموند: جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی‌کی‌نیا، انتشارات مجد، اردیبهشت ۱۳۷۴.

۱. به نقل از: کاری یو، روبر، مداخله / روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه دکتر علی حسن نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵.

## جرم‌شناسی ۱۲۹۹

گسن، ریموند: مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات علامه طباطبایی، سال ۱۳۷۰.

لازرژ، کریستین: درآمدی به سیاست جنایی: ترجمه علی حسین نجفی‌آبرندآبادی. نشر یلدا، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵.

لازرژ، کریستین: درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی‌آبرندآبادی، میزان ۱۳۸۱.

لپز، ژرار - فیلزولا، ژینا: بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹.

نجفی‌آبرندآبادی، علی حسین - هاشم بیگی، حمید: دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

نوربها، رضا: زمینه جرم‌شناسی، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

ولد، برنار، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، ۱۳۸۰  
وایت هنس، مقدمه‌ای بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه صدیق بطحایی اصل، نشر دادگستر، بهار ۸۲، تهران.

هیوز (گوردونی)، پیشگیری از جرم، ترجمه علی رضا کلدی و محمدتقی جغتایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.

## مقالات

آشوری، محمد: گزارش دهمین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، مجله امنیت، شماره ۱۱ و ۱۲، وزارت کشور، خرداد و تیر ماه ۱۳۷۹.

## ۱۳۰۰ مباحثی در علوم جنایی

اردبیلی، محمدعلی: «پیشگیری از اعتیاد»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال موادمخدر، جلد اول، روزنامه رسمی، چاپ ۱۳۷۹.

لاسال، ژان‌ایو: تحقیقات علوم جنایی و آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی در فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی‌آبرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

پیناتل، ژان: کیفرهای جانشین و جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی‌آبرندآبادی، فصل‌نامه حق، دفتر ششم، ناشر مرکز مطالعات حقوقی و قضایی، تیر و شهریور ۱۳۶۵.

توجهی، عبدالعلی: جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیونهای بین‌المللی، شماره ۹، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، بهار و تابستان ۸۰.  
دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی: دهمین کنگره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین چالشهای قرن بیستم. مجله امنیت، شماره ۱۱ و ۱۲، وزارت کشور، خرداد و تیر ۱۳۷۹.

رحیمی اصفهانی، عباس علی: گزارش اجمالی از برگزاری نهمین کنگره پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (قاهره - مصر)، مجله حقوقی، شماره ۲۴، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان ۷۴.

زینالی، پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی، شماره ۶، ۱۳۸۱.

فرجیها، محمد: «سخن سردبیر»، مجله امنیت. شماره ۶ و ۵، وزارت کشور، سال دوم، آبان و دی ماه ۱۳۷۷.

## جرم‌شناسی ۱۳۰۱

صفاری، علی: «مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳، ۱۳۸۰.

کاری‌یو (روبر): «مداخله روان‌شناختی اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱.

گسن، ریمون: «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹-۲۰، بهار و پاییز ۱۳۷۶.

صفاری، (علی): «انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱.

مرکز تحقیقات قوه قضائیه: «درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم»، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۰، انتشارات موسسه کیهان، سال چهارم، خرداد و تیرماه ۱۳۷۹.

مسگران طبقه: محمد: جرایم شهری و لزوم سیاستگذاری پیشگیرانه، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۳، روزنامه رسمی کشور، زمستان ۱۳۷۹.

معظمی، شهلا: «پیشگیری از تکرار جرم»، مجله امنیت، شماره ۸ و ۷، وزارت کشور، دی و بهمن ۱۳۷۸.

مؤذن جامی، محمدهادی: «نقش مشارکت مردم در تقویت امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش نظم و دانش، شماره ۲، انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، بهار ۱۳۷۹.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶ و ۲۵، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی بهار و تابستان ۱۳۷۸.

تجفی ابرندآبادی، علی حسین: «پلیس و امنیت عمومی»، مجله امنیت، شماره ۱۶ و ۱۵، وزارت کشور، مهر و آبان ۱۳۷۹.

## ۱۳۰۲ مباحثی در علوم جنایی

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «جرم‌شناسی، صاحب یک تخصص علمی یا صاحب یک کار حرفه‌ای»، مجله کانون وکلا، شماره ۷ و ۶، ۷۳-۱۳۷۱.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «جایگاه جرم‌شناسی در ایران»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «درآمدی بر جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، روزنامه رسمی، اردیبهشت ۱۳۷۹.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۸، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۷۵ تا زمستان ۷۵.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «مشارکت مردم در تأمین امنیت عمومی»، مجله امنیت، شماره ۱۰ و ۹، وزارت کشور، فروردین و اردیبهشت ۷۹.

نوربها، رضا: «سیاست جنایی سرگردان»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، بهار و تابستان ۱۳۷۸.

هاستینگ، رس: پیشگیری از طریق رشد اجتماعی، ترجمه جاویدزاده، مجله امنیت شماره ۱۰ و ۹، وزارت کشور، فروردین و اردیبهشت ۷۹.

## پایان‌نامه

پورتیمور، سعید: محکومیت کیفری مؤثر در ساختار حقوقی جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۶-۷۵.

## جرم‌شناسی ۱۳۰۳

توجهی، عبدالعلی: جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تابستان ۱۳۷۷.

ترکی، غلامعباس: بنیادهای حقوق کیفری در پرتو قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر (مصوب ۷۶/۸/۱۷)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۱۳۷۹.

حمزه‌زاده، احمد: تأثیر بازدارندگی تدابیر غیرکیفری در پیشگیری از وقوع جرم، پایان‌نامه کارشناس ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

خالقی، سمیرا: سنجش و ارزیابی انواع روشهای پیشگیری از وقوع جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۰.

خورشیدوند، عزت، اعاده حیثیت در حقوق جزای ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

درودیان، مرتضی: پیشگیری از وقوع جرم در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۱۳۷۱.

دشتی، داود: اجرای احکام کیفرهای سالب آزادی در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ۱۳۸۰.

زارعین جهرمی، عبدالعلی: اقدامات مناسب در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

## ۱۳۰۴ مباحثی در علوم جنایی

عالمی، زهرا: سیاست جنایی سازمان ملل متحد و گرایش پیشگیری در آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۷۵-۷۴.

غلامی، حسین: تکرار جرم در حقوق جزا و جرم‌شناسی، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، سال تحصیلی ۱۳۷۸.

فرجیهای قزوینی، محمد: اقدامات مناسب قوه قضائیه برای پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۷۱/۷۰.

قاسمی سیانی، احمد: پاسخ‌های سیاست جنایی ایران به جرم اعتیاد به موادمخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۰.

مؤذن زادگان، حسنعلی: پیشگیری از وقوع جرم در قانون اساسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم سیاسی، اسفند ۶۷.

طاهاپی نژاد، علی رضا: پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

## جزوات و تقریرات

نجفی ابرنآبادی، علی حسین: تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، سال تحصیلی ۷۳-۷۴.

نجفی ابرنآبادی: علی حسین: تقریرات درس «تاریخ حقوق کیفری» دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده حقوق، سال تحصیلی ۷۹-۷۸.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین: تقریرات درس «جرم‌شناسی»، دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین: تقریرات درس «سیاست جنایی» دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۱-۸۰.

## روش کار

دانشجویان ضمن یادداشت برداری از مطالب کلاس، برای تکمیل مطالعات خود، به منابع معرفی شده نیز رجوع کنند. آزمون پایان نیمسال بر اساس همین مطالب خواهد بود. به عنوان کار تحقیق، دانشجویان باید کتاب «دفاع اجتماعی»، نوشته مارک آنسل (چاپ سوم، ۱۳۷۵) را برای آزمون میان ترم که در اوایل اردیبهشت ۱۳۸۲ برگزار می‌شود، مطالعه نمایند. مشارکت دانشجویان در بحث‌های کلاس مفید خواهد بود و از آن استقبال می‌شود.

از دانشجویان دعوت می‌شود که مطالعه کتاب دفاع اجتماعی را از هم اکنون آغاز کنند، تا در صورت لزوم، فرصت بررسی و توضیح موضوعات مهم آن در کلاس باشد.

## پیوست

استاد در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان در خصوص حالت خطرناک و بین‌المللی شدن حقوق جزا بیان داشت:

در حقوق فرانسه اطفالی که در معرض ارتکاب جرم هستند، بسیار زیادند. اطفال تک والدینی بسیار دیده می‌شود. مثلاً مادر یا پدری معتاد به الکل دارد. همسایگان به پلیس یا بهزیستی تلفن می‌کنند. پلیس و دادگاه اطفال با تکمیل تحقیقات و صدور رأی سلب حضانت از وی می‌کنند و او را به مراکز بازپروری اعزام می‌کنند. چرا که حالت خطرناک در جو خانواده وجود دارد.

- معمولاً اقداماتی که در مورد افراد خطرناک اعمال می‌شود اقدامات حمایتی درمانی هستند مثل همین آیین‌نامه مواد مخدر که فردی که معتاد است مشمول اقدامات حمایتی همراه با سلب آزادی می‌شود که البته مغایر اصول است. چون مجرمیت باید منجر به سلب آزادی شود. بحث حالت خطرناک بسیار موسع است و ممکن است قلمرو آزادی‌های فردی را محدود کند. ولی باید گفت که اقداماتی که در پس حالت خطرناک انجام می‌شوند اگر قدری هم سلب آزادی در آنها باشد جنبه حمایتی دارند. ضمناً اصل قانونی بودن مجازات‌ها و جرایم تحت تأثیر یافته‌های علمی و جرم‌شناختی شدیداً متحول شده و مثل گذشته نیست. مثلاً در حقوق فرانسه وضع جرم خلافی به عهده قوه مجریه است. در حقوق ما برخلاف حقوق فرانسه حبس، مصاده اموال و جریمه‌های سنگین در تعزیرات حکومتی صادر می‌شود که گاه فرد را از هستی ساقط می‌کند و این بسیار خطرناک است.

- در اینجا قصد داریم نشان دهیم حقوق فردی کلاسیک از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است. حقوق جزا هم که تابعان خاص خود را دارد. این اشخاص متحول می‌شوند و تحولاتی را به وجود می‌آورند یکی از این تحولات جهانی شدن جرم است. جهانی شدن ارزشها هم که البته به عنوان میراث انسانها از قبل بوده است که تابع سلیقه انسانها نیست. پس جرم جهانی هم نقض این ارزشهای جهانی است. مثلاً جرم مواد مخدر، جهانی است. و جامعه جهانی در خصوص آن قواعدی وضع کرده است مثلاً کنوانسیون ۱۹۸۸ جرم تطهیر سرمایه‌ها و درآمدهای مواد مخدر را

پیش‌بینی کرده است. پس حقوق جزا در حال بین‌المللی شدن است. این جهانی شدن سبب مراوده حقوق داخلی و بین‌المللی باهم می‌شود و در این مراوده، حقوق جزای کلاسیک رنگ خود را از دست می‌دهد و با توجه به این موضوع و اینکه حقوق جزا ویژگیهای خاص خود را حفظ کرده است. جهانی شدن جرم با جهانی شدن پاسخهای به جرم مطرح شده و رشته سیاست جنایی ایجاد شده که فارغ از ملاحظات داخلی و محدودیتهای حقوق جزا، از همه سو جرم را مهار کند. معذالک این سیاست جنایی بی‌نیاز از حقوق جزا و هسته آن نمی‌باشد، ولی حقوق جزا هم با اقرار خود مراوده دارد و طی این مراد خیلی از ویژگیهای صریح خود را از دست می‌دهد. ساختار حقوق جزا امروزه دگرگون شده است. مفاهیم انسان‌شناختی، معنوی، اخلاق، حقوق بشر، حقوق کیفری را اقتصادی اجتماعی کرده‌اند - ما در کنار حقوق جزای عمومی سنتی حقوق جزای فنی داریم. جرم محیط زیست، جرم اقتصادی و ... که علاوه بر شباهت با جزای مدنی، ویژگیهای خاص خود را دارند.

- در بحثهای موجود قصد داریم بگوییم، حتی کسانی که سیاست جنایی را قبول ندارند و از حقوق جزا یاد می‌کنند باید بدانند که عنوانهای حقوق جزا شدیداً تحت تأثیر مباحث سیاست جنایی قرار گرفته است.

حق متفاوت بودن یکی از حقوق بشر است. یعنی احترام به دگراندیشی و دگرباشی، یعنی احترام به تکثر، تکثرگرایی و قرائت‌های مختلف از یک پدیده. در یک جامعه قانونمند، متفاوت بودن خدش‌های به اصل قانونمندی وارد نمی‌کند لیکن برای اینکه مشمول قانون نشود رفتارهایی می‌طلبند که مغایرت با قانون نداشته باشد. تأیید این حق یعنی احترام به تنوع رفتار و افتکار تا زمانی که مغایر قانون جزا نباشد. اما این حق محدود‌دهی دارد که قانون جزا مشخص می‌کند. این حق حربه‌ای است در برابر اقتدارگرایی حکومتها که در صدد متحدالشکل کردن فکری، پوشاکی، تغذیه‌ای و افراد هستند.

حال آنکه این امر مغایر، خصیصه ذاتی انسانهاست که همان تنوع فکر و رفتاری است ولی باید برای جلوگیری از آناشسیسم اجتماعی محدودۀ آن را از طریق قانون جزا مشخص کنیم.

اصل قانونمندی یا قانون مجازات عمومی فی‌الواقع مدل رفتاری و معیار زندگی ما است و امروزه به قابل دسترس بودن و قابل درک بودن حقوق جزا اشاره می‌شود. تا همگان بتوانند براساس آن رفتار خود را تنظیم کنند.